

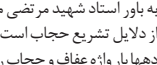


روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ - ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۴
سال بیست‌ونیم - شماره ۶۷۷۹ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سرمقاله

رد مغالطه تفکیک عفاف و حجاب

این روزها برخی چهره‌های یک جریان سیاسی در گفته‌های خود مرتباً سر تفکیک عفاف و حجاب تأکید می‌کنند و اظهار می‌دارند که ممکن است کسی حجاب نداشته باشد، ولی عفاف داشته باشد و برعکس. در واقع اصل اینکه عفاف و حجاب یک پدیده‌ار واحد نیستند، درست است، اما این تصور که از هم جدا



مدیرمستول

و بی‌ار تباطند صحیح نیست. به‌باور استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، حفظ عفاف یکی از دلایل تشریع حجاب است. ایشان در آثار گوناگون خود دهها بار واژه عفاف و حجاب را در کنار یکدیگر مطرح کرده و در کتاب مسئله حجاب در خصوص چرایی پوشش اسلامی می‌نویسند: «در دین مقدس اسلام هر چیزی که موجب تحریک شهوات و بر هم زدن عفاف و پاکدامنی است، قدغن شده.» در نگاه شهید مطهری حجاب مقدمه‌ای بر حفظ حریم عفاف است و این موضوع در چندین جا از آثار شهید مطهری مورد تأکید قرار گرفته است.

به‌بیان دیگر خداوند متعال برای آنکه حریم عفاف در جامعه بشری حفظ شود، مجموعه‌ای از دستورات را تشریع کرده است که یکی از مهم‌ترین آنها «حجاب» است. البته روشن است که حفظ عفاف به چیزهایی بیش از حجاب و پوشش سر و بدن نیازمند است، اما شرط لازم آن حفظ همین حجاب است. حال مغالطه‌ای که اینجا صورت می‌گیرد آن است که پرسیده می‌شود آیا همه کسانی که حجاب را رعایت کرده‌اند، عفاف را هم کامل رعایت کرده‌اند یا آنکه هر که بی حجاب است، پس بی‌عفت است؟ مغالطه‌ای که اینجا صورت می‌گیرد آن است که فرد می‌خواهد با طرح یک مورد استثنا، یک قاعده انسانی و سنت اجتماعی را نادیده بگیرد. در علوم اجتماعی نه درباره یک‌پک‌فرد (که ممکن است به دلایلی متفاوت از بقیه رفتار کند) بلکه درباره کلیت افراد جامعه سخن می‌گوییم.

مسئله اصلی اینجا این است که برای حفظ حریم عفاف در جامعه انسانی، خداوند متعال ضوابطی وضع کرده که یکی از مهم‌ترین آنها حفظ حجاب و پوشش اسلامی است. اگر فردی فرضاً نتوانست دامن خود را از گناه پاک نگاه دارد و در عین حال ضوابط حجاب را هم رعایت نکرد، اولاً هیچ ضمانتی وجود ندارد که اگر آنجا موفق بوده، بعد از این هم همچنان موفق بماند و ثانیاً مسئله قحط خود او نیست و او در جامعه اسلامی تعریف می‌شود. رفتار او علاوه بر آنکه ممکن است دیگران را به وادی بی‌عفتی بکشاند، عملاً مروج سبک‌زندگی ای است که عفاف در آن جای ندارد.

مغالطه امکان عفاف بدون حجاب، تنها افرادی را می‌فرید که تحولات نیم‌قرن اخیر غرب را نبینند. از زمان وقوع «انقلاب جنسی» در نیمه دوم سده گذشته در اروپا و آمریکا، عملاً حريم‌ها در مسائل جنسی و روابط زن و مرد برداشته شد، از حجم پوشش‌ها کاسته شد و بلکه کنار رفت و جامعه در سراسر این انحطاط اخلاقی قرار گرفت. نیم‌نگاهی به تحولات فرهنگی اجتماعی غرب به‌خوبی نشان می‌دهد که اتفاقاً در سیر تحولات غرب، ابتدا حجاب کمترنگ شد، سپس در عفاف تشکیک شد و نهایتاً تمرزهای اخلاقی در جامعه فروپاشید. نتیجه محسوس و ملموس آن را می‌توان در امروز و فردای این جوامع دید که پدیده تولد فرزندان نامشروع به‌سکه رایج آنها تبدیل‌شده و در برخی از کشورهای غربی، تعداد نوزادان نامشروع از خلال زاده‌ها پیشی گرفته است. چنین وضعیتی نتیجه محتوم همان تجویزی است که بر برخی به نام تفکیک عفاف و حجاب امروز در جامعه ما عرضه می‌کنند.

پاسخ دیگر به این مغالطه آن است که اگر بپذیریم می‌توان عفاف داشت ولی بدون حجاب، پس مرز پوشش عقیقانه چیست؟ اگر ضوابط شرعی کنار روند و سلاقی و نسبی‌گرایی جایگزین آن شوند، هر کس از ظن خود وارد مسئله شده و برای «بستر» خط قرمزی از خود ارائه می‌دهد. نتیجه همین نسبی‌گرایی آن است که غربانی روزبه‌روز افزایش می‌یابد و این همان بلای استی که بر سرر جوامع غربی آمده است. اگر در برخی کشورهای غربی تا همین چند سال پیش کشف‌عورت در ملاءم ممنوع بود، الان همین هم در پارهای از این کشورها، در مسیر قبیح‌زدایی است. لذا تنها پوشش عقیقانه، حجاب شرعی است و اگر به سلیقه انسانی واگذار شود، در یازود سرنوشتی متفاوت از وضعیت امروز جهان غرب نخواهد داشت.

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره نور، رعایت حجاب چشم و فروبستن نگاه از نامحرم را موجب پاک‌ی می‌داند و در آیه ۵۳ سوره احزاب، حفظ حجاب در هنگام معاشرت مردان و زنان نامحرم را مایه پیدایش یا افزایش طهارت و پاک‌ی قلب برای هر دو سوی تعامل و معاشرت، ارزیابی می‌کند که اینجا خود دلایل محکمی بر ارتباط میان عفاف و حجاب است.

لبنی‌ها از سفره مردم کره می‌گیرند

قیمت لبنیات در حالی افزایش یافته است که مابه‌ازای افزایش قیمت به جیب تولیدکننده واقعی یعنی کشاورزان و دامداران نمی‌رود بلکه شبکه توزیع برنده اصلی گرانی لبنیات است. از طرفی شرکت‌های لبنیاتی که غالباً شبکه توزیع نیز دارند بخشی از علل این گرانی هستند

■ علی باقری، کارشناس حوزه سلامت در گفت‌وگو با «جوان»: تأمین ویتامین‌ها، املاح و پروتئین‌هایی که لبنیات و فرآورده‌های لبنی دارند، نقش بسزایی در حوزه سلامت ایفا می‌کند. کاهش استفاده از لبنیات و فرآورده‌های لبنی به خصوص شیر عوارض جدی برای کودکان و سالخوردگان دارد. برای این دو گروه دریافت کلسیم بسیار مهم است و اگر مصرف محصولات لبنی کاهش پیدا کند، سلامت جامعه به خطر می‌افتد | صفحه ۴



تقی آژادرامکی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «جوان»: اگر بخواهیم جامعه ایرانی را از لحاظ تاریخی و حتی معاصر تعریف کنیم، باید آن را جامعه‌ای دینی معرفی کنیم، صفت دینداری صفت تاریخی جامعه ایرانی است. مردمان ایران از قدیم الایام از جایی که تاریخ نشان می‌دهد تا کنون همیشه دیندار بوده‌اند و اتفاقاً اگر فشارهایی آمده و گرایش‌های غیردینی یا ضدیت با دین در ایران به واسطه گر و ده‌ها و حتی دولت‌هایی مطرح شده‌است، جامعه نسبت به آن مقاومت کرده و به دینداری خودش پناه برده است

محمود عارفی | جماران | صفحه ۳



گفت‌وگوی «جوان» با آمنه وهاب‌زاده، جانباز ۷۰ درصد دفاع مقدس

شیمیایی از «والفجر ۱» با من است

■ در عملیات والفجر ۱ که در منطقه فکه انجام شد، امدادگر بودم. چند ساعتی از اذان صبح گذشته بود و من در جادر امدادی پانسمان پای یکی از مجروحان را تمویض می‌کردم که هواپیماهای عراقی منطقه را بمباران کردند. پس از بمباران به سرعت از جادر بیرون آمدم و به عمق منطقه بمباران شده رفتم تا مجروحان را نجات دهم. بوی سیر «گاز خردل شیمیایی» که در همه منطقه پخش شده بود، به سرعت ماسکم را زدم. بولی وقتی به جادر برگشتم دیدم آن جانبازی که داشتم مداوایش می‌کردم، ماسک ندارد، برای همین ماسکم را بر داشتم و به صورت آن مجروح زدم. صورتم و چشمانم خیلی می‌سوخت و بدنم شروع به خارش کرد و از آنجا مرا به بیمارستان صحرایی و



تراژدی ویرانگر غرق ۶۲۱ مهاجر یک قایق در آب‌های یونان

■ برافراشتن پرچم‌های سیاه در کشور یونان، آن هم به احترام مهاجران قربانی شده در آب‌های این کشور پیش از اینکه ابراز همدردی یا عملی انسانی باشد، پنهان کردن چهره آتش‌افروز دولت‌های غربی در کشورهای است که سبب‌شده مردم جنگ‌زده‌اش برای پیدا کردن زندگی بهتر به سمت اروپا مهاجرت کنند و قبل از رسیدن به مقصد جانشان را هم از دست بدهند. براساس تلاش‌های چهارشنبه هفته گذشته در آب‌های یونان غرق شده، ۱۰۴ نفر نجات یافته‌اند، جسد ۷۹ نفرشان از آب خارج شده و تلاش امدادگران برای پیدا کردن ۱۷ نفر دیگر ناکام مانده‌است. مقام‌های غربی بعد از آتش‌افروزی در کشورهای سوریه، افغانستان، فلسطین و مصر حالا برای

یادداشت ورزشی

فریدون حسن

برنامه‌ریزی غلط آفت جوانگرایی و الیبال

در آستانه هفته دوم رقابت‌های لیگ ملت‌های والیبال، تیم ملی کشورمان تمرینات خود را برای حضور در این هفته از رقابت‌ها آغاز کرده است. ایران هفته اول را با سه شکست بد پشت سر گذاشت. شکست‌هایی که به نظر می‌رسد به عادت بد ایران در شروع هر تورنمنتی شده است. در اینکه والیبال ایران برای ادامه حضور پر قدرت در سطح اول والیبال جهان نیازمند پیروزی و برتری مقابل حریفان است هیچ شکی نیست، اما نباید فراموش کنیم که تیم ملی نیازمند تغییر و تحول است و باید یک پوست‌اندازی درست انجام دهد. ستاره‌های والیبال ایران طی چند سال گذشته آرام‌آرام از تیم ملی جدا شدند و در نهایت کار به جوانانی رسیده که تجربه کافی و لازم را برای قدرتمندی مقابل حریفان بزرگ ندارند. بنابراین باید به آنها زمان داد تا بتوانند به مرور خود را به سطح بازیکنان و ستارگان قبلی تیم ملی برسانند | صفحه ۱۳

یادداشت بین‌الملل

هادی محمدی

بازبینی پرونده ۴۵ساله ایران و عربستان

امروز شنبه، وزیر امور خارجه عربستان ایران سفر می‌کند تا شروع به کار سفارت خودشان را در تهران اعلام کند و دیدارهایی نیز با مقامات ایرانی صورت پذیرد. از لحظه شکل‌گیری تفاهم ایران و سعودی با پادرمیانی انگلیس و فتنه‌های گوناگون سیاسی و امنیتی سعودی چه ماهیتی دارد؟ اینکه از چینی‌ها درخواست می‌کنند بانی خیر باشند، آیا باید یک تغییر جوهری و راهبردی تلقی شود یا اینکه سعودی همان سعودی است و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و اوضاع داخلی و خارجی و جنگ در یمن، موجب شده عربستان تغییر تاکتیک بدهد؟ عربستان از لحظه پیروزی انقلاب اسلامی، جلودار و شریک در تمامی طرح‌های ضدایرانی با آمریکا، انگلیس و فتنه‌های گوناگون سیاسی و امنیتی این است که نمایندگی مردم در مجلس نیاز به شرایطی از جهت اخلاقی دارد که طبعاً با فریبکاری و دروغویی منطبق نمی‌شود | صفحه ۲

ویره جوان

عباس حاجی‌نجاری

استعفاف‌روشی برای ورود به فهرست مجلس!

غلامعلی حدادعادل، رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی، چهارشنبه‌شب در جلسه شورای مرکزی این شورا گفت که کسانی از قبول او به برخی شخصیت‌های سیاسی پیام داده‌اند برای کاندیداتوری در انتخابات مجلس استعفا کنند و این رژیم نه تنها کمکی به آنها برای خروج از این بحران‌ها نمی‌کند، بلکه به روند فروپاشی و اضمحلال آن سرعت بخشیده است، به گونه‌ای که سران رژیم‌صهیونیستی را به درستی نگران کرده است که نتوانند ۸۰ سالگی این رژیم را که قدرت‌های استعماری غربی آن را در این منطقه برای مدیریت و کنترل جهان اسلام جعل کرده‌اند، نگه‌دار باشند. تردیدی در این نیست که علاوه بر بنیان‌های مجعول شکل‌گیری این رژیم، آنچه به روند اضمحلال آن سرعت بخشیده، جنایاتی است که صهیونیست‌ها در ۷۵ سال گذشته علیه مردم مظلوم فلسطین و دیگر مسلمانان منطقه روا داشته‌اند | صفحه ۲



مقام امریکایی: نتوانستیم مانع حضور ایران در «نیمکره‌ما» شویم

■ رئیس‌جمهور کوبا، ونزولا، نیکلار گونه و کوبا همراه با ایران کشورهایی هستند که با مقاومت قهرمانانه خود با اقدامات مداخله‌جویانه و تحریم امپریالیسم مقابله کردند و این سفر نشانه همبستگی بین کشورهای است که می‌خواهند سبک زندگی مستقل داشته باشند

عبور موفق از «حادثه بزرگ» آبی پابخت

■ اسناد مسیر انتقال آب تهران بر اثر ریزش توده‌های سنگی رویداد مهمی به شمار می‌رود که نباید از بزرگی آن و اهمیت تلاش مسئولان برای پایداری شبکه انتقال آب تهران غافل شد، چه آنکه طی چند روز ضمن مدیریت آب مصرفی تهران، معضل به وجود آمده نیز مرتفع شد اما آنچه مهم است اینکه باید تمهیداتی اندیشیده شود تا در مواقع بروز حوادث طبیعی، تبعات آن به کمترین حد ممکن برسد و اساساً «مدیریت» در چنین مواقعی معنا پیدا می‌کند



«یادها و یادمان‌هایی از سیره شهید دکتر مصطفی چمران در آیین‌ها یادها و یادمان‌ها» در گفت و شنود با فاطمه نواب صفوی

دکتر گفت شب‌ها بر مزار پدرت ساعت‌ها گریه می‌کردم

بی‌توجهی به حق الناس در وام‌دهی به کارکنان بانک‌ها

■ حمید بهزادی‌بخش، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»: مهم‌ترین مسئله این است که با افزایش اضافه‌برداشت بانک‌ها، پایه پولی رشد و همچنین رشد نقدینگی نیز افزایش چشمگیری داشته است، اما می‌بینیم این تسهیلات اعطا شده هیچ کدام به سمت تولید نرفته و بخش عمده‌ای از این تسهیلات صرف اعطای وام به کارکنان بانک‌ها یا زیرمجموعه‌های بانک‌ها شده که هیچ خلق ارزشی در اقتصاد نداشته و فقط به تورم دامن زده‌است. باید یک بار بار این همیشه‌از اشتباه بزرگ دهه ۹۰ درس بگیریم و با هدایت اعتبارات بانکی به سمت تولید ممکن به‌طور جدی در بخش تأمین مالی وعده بزرگ دولت اقدام صورت گیرد و گر نه با این دست‌فرمان، نه مسکنی برای مردم ساخته خواهد شد و نه امکان رونق اقتصادی از این محل فراهم خواهد شد

نگران محتوای فیلم‌ها باشیم یا تجهیز سالن‌ها؟!

■ فکر کنید همه شهرها و استان‌های ایران دارای بهترین و مجهزترین سالن‌های سینمایی مطابق با به‌روزترین استانداردهای جهانی شوند و در دنیای هوش مصنوعی این سالن‌ها ظرفیت میلیون‌ها ایرانی را برای تماشای فیلم داشته باشند، اما در مقابل سینمای ایران به موازات این رشد در سالن‌سازی، تولیدات فاخر و متناسبی برای پخش نداشته باشند. در این صورت چه اتفاقی می‌افتد؟ یا این سالن‌ها و سینماها به‌طور عادی به سمت تعطیلی می‌روند و به تدریج به ساختمان‌هایی مخروبه و فرسوده تبدیل می‌شوند یا باید برای بقا و رونق به سمت پخش آثار هالیوودی بروند. این چالشی است که این روزها به‌طور جدی پیش‌روی سینمای ایران قرار دارد

واشنگتن: مذاکره با ایران جریان دارد ولی به توافقی نرسیده‌ایم

■ امریکایی‌ها که مدت‌ها سعی داشتند خود را به‌احیای و برجام و تداوم مذاکرات هسته‌ای با ایران بی‌میل نشان دهند، اخیراً برخلاف آنچه پیش‌تر از آن دم می‌زدند، تمایل خود را برای پیگیری مذاکرات میان کرده‌اند. با این حال، واشنگتن دستیابی به هر گونه توافق با تفاهم را که ابعاد محدودی دارد، رد کرده است

سبحان پرستی در توفیتی نوشت: در کمتر از دو سال رئیسی به ۱۵ کشور مختلف جهان سفر کرده و مذاکرات و توافقاتی تجاری و اقتصادی مختلف هم داشته... این تعداد جدا: سفرهای تیم سیاست خارجه ما و توافقات آنها بوده. دیپلماسی فعال ایران و سطح روابط با کشورهای مختلف جهان در دو سال اخیر بی سابقه بوده! تا باد چنین باده!

گفت‌وگوی «جوان» با آمنه وهاب‌زاده جانباز ۷۰ درصد دفاع مقدس

شیمیایی از «الفجر یک» بامن است

در چادر بهداری دیدم مجروحی که پانسمانش می کردم ماسک ندارد. ماسک را به او دادم و کمی بعد بیهوش شدم



■ غیرت زنانه

آمنه وهاب‌زاده را از قبل می‌شناختم. هر بار به خودم می‌گفتم، کاش فرصتی پیش می‌آمد تا بار دیگر او را می‌دیدم و حضورا پای حرف‌ها و خاطرات زنانه‌اش از روزهای جنگ و جهاد می‌نشستم. قبلاً بارها به دیدارش رفته بودم. با شماره همراهی که از او داشتم تماس گرفتم. بعد از کمی انتظار پاسخ داد. صدایی آشنا که کمی فر توت‌تر شده بود. صدای دوست‌داشتنی آمنه وهاب‌زاده هنوز هم مهربانی‌هایش را بروز می‌دهد. او یکی از صدها زن دلاوری است که در همان ابتدای ترین روزهای جنگ تحمیلی بی‌آنکه کسی او را مجبور کند یادستوری در کار باشد، راهی جبهه شد و نگرانی‌های زنانه‌اش هم مانع حضورش نشد. جانباز وهاب‌زاده یکی از همان زنانی است که تاریخ دفاع مقدس هیچ گاه غیرت و حمیت او را از یاد نخواهد برد.

■ رد سال‌های دور

با همین تماس هم می‌شد رد سال‌ها درد و رنج جانبازی را از تارهای صوتی گرفته او و از سرفه‌های گاه و بیگاهش فهمید. بعد از سلام و احوال‌پرسی از او می‌خواهم فرصتی بدهد تا از نزدیک ملاقات کنیم و کپ و گفتی با هم داشته باشیم. او می‌گوید: «خترم دیگر مثل آن سال‌های دور نیستم. حالم مساعد دیدار و ملاقات‌های گاه و بیگاه رسانه‌ها نیست. حرف‌هایم را زده‌ام و آنچه را باید در این سال‌ها روایت کردم. نمی‌دانم شاید هم مردم دیگر از دست امثال من خسته شده باشند!» میان حرف‌هایش می‌گویم مادر جان این چه حرفی است؟ مردم از دست شما خسته نمی‌شوند. مگر می‌شود این همه خاطرات زیبای شما را ببشنوند و بی‌توجه از کنارش بگذرن. مگر می‌شود حکایت غیرت و شادان زنانی چون شما را بخواند و به دست فراموشی بسپارند.

تاریخ دفاع مقدس به شما و زنانی چون شما که در گاه معر که سلاح به دست گرفتید را فراموش نخواهد کرد. می‌خندد و می‌گوید: «مردم را دوست دارم، مهربان همیشه با من بوده و هست. می‌دانم ارزش کار ما و زنانی چون من را خوب می‌دانند، گله‌ای هم اگر هست از مسئولانی است که حواس‌شان به خون شهدا نیست».

■ زنانی به قامت مردان

نمی‌خواهم همین فرصت پیش آمده و تماس تلفنی را در هم‌کلامی با او از دست بدهم. می‌پرسم چطور به جبهه رفتید؟ می‌گوید: «زمان جنگ شرایط خاصی بود. وقتی مردم خبر تعدی به خاک کشور را شنیدند هر کاری از دست‌شان برآمد، انجام دادند. هر کس در حد خودش و من هم خودم را به اولین پایگاه بسیج رساندم و بعد از گذراندن آموزش‌های لازم اسلحه به جنوب رفتم.»

زمانی که از جنگ و جبهه حرف می‌زنیم، بی‌درنگ یاد خمپاره و آتش، تنش و رشادت، پایمردی و صلابت مردان به ذهن متبادر می‌شود، اما جنگ تحمیلی هشت ساله همه این معادلات را بر هم زد. آری، خوشمهر بود و مجاهدت زنانه‌اش. جبهه نبود و صلابت بانوانی که سلاح به دوش از هیچ کاری دریغ نکردند. زنانی که هم‌قدم و هم‌رمز با مردان جنگیدند. زهرا حسینی راوی کتاب‌دا، شهیده سیدمطاهر هاشمی، شهیده تسنیر افضل، شهیده شهناز حاجی‌شاه، شهیده‌ناهدفاتی کر جو، شهیده فوریزه شیر دل و بسیاری دیگر

هم قد و قامت مردان ایستادند. امروز روایت مجاهدت‌های‌شان الگویی است برای دختران و زنان این سرزمین.

آمنه وهاب‌زاده متولد شهر ار دیبل است. کودکی بود که به دلیل شغل پدر همراه با خانواده برای سکونت به شهر سامرای عراق نقل مکان می‌کند. پدر آمنه به دلیل جنگ‌های سیاسی و انقلابی همیشه با یاران امام‌خمینی (ره) در کاظمین و نجف در ارتباط بود و این تعاملات در زندگی، تربیت و شخصیت آمنه تأثیر گذار می‌شود. او می‌گوید: «هنگامی که خبر حمله عراق به ایران منتشر شد، شور انقلابی و حس دفاع از کشور در وجود من ایجاد شد. من پس از حضور در جبهه، مدتی را به عنوان بهیار در بیمارستان پتروشیمی فعالیت کردم، اما از آنجا که به زبان عربی مسلط بودم، به عملیات جنگ‌های نامنظم و چریکی وارد شدم.»

■ جانبازی در فکه

وقت هم‌کلامی‌مان با آمنه وهاب‌زاده به یاد گفت‌وگوی حضوری‌ام با او افتادم و روایت جانباز شدنش که حکایتی شنیدنی داشت، گفت: «در عملیات والفجر یک که در منطقه فکه انجام شد، امداد گر بودم. چند ساعتی از اذان صبح گذشته بود و من در چادر امدادی پانسمان پای یکی از مجروحان را تعویض می‌کردم که هوا پیمای‌های عراقی منطقه را بمباران کردند. پس از بمباران به سرعت از چادر بیرون آمدم و به عمق منطقه بمباران شده رفتم تا مجروحان را نجات دهم. بوی سیر گاز خردل شیمیایی» در همه منطقه پخش شده بود. به سرعت ماسکم را زدم، بولی وقتی به چادر بر گشتم دیدم آن جانبازی که داشتم



در عملیات والفجر یک که در منطقه فکه انجام شد، امداد گر بودم. چند ساعتی از اذان صبح گذشته بود و من در چادر امدادی، پانسمان پای یکی از مجروحان را تعویض می‌کردم که هوا پیمای‌های عراقی منطقه را بمباران کردند. پس از بمباران به سرعت از چادر بیرون آمدم و به عمق منطقه بمباران شده رفتم تا مجروحان را نجات بدهم

کردند.»

■ داروهای شیمیایی و کیسول

آکسیژن آمنه وهاب‌زاده در منزل استیجاری‌اش در شهرک اکباتان زندگی می‌کند. از حال و هوای



خانه و زندگی‌اش می‌پرسم، می‌گوید: «ابتدا پرستار داشتم، اما حال و روزم به گونه‌ای شد که آن‌بنده‌ها هم کاری از دستم بر نمی‌آمد. وقتی حالم بد می‌شود، این کیسول اکسیژن و داروهای شیمیایی است که بیشتر از هر کسی دیگری می‌تواند به داد من برسد. همه این سال‌ها به لطف و کمک خدا توانستم با این درد کنار بیایم.

پسرم همراهی‌ام می‌کند و به کمک من می‌آید. داروهایم را تهیه می‌کند و تا آنجا که می‌تواند کمک حال من می‌شود تا خیلی دست تنها نمانم. گاهی دلم می‌خواهد از خانه بیرون بیایم و حال و هوایی عوض کنم. گاهی دلم برای آن



وضعیت جانبازی‌ام طوری بود که ابتدا پرستار داشتم، اما حال و روزم به گونه‌ای شد که آن بنده خدا هم کاری از دستش بر نمی‌آمد. وقتی حالم بد می‌شود، این کیسول اکسیژن و داروهای شیمیایی است که بیشتر از هر کس دیگری می‌تواند به داد من برسد. همه این سال‌ها به لطف و کمک خدا توانستم با این درد کنار بیایم

روزهای جهاد تنگ می‌شود، اما نیک می‌دانم که جهاد برای ما هنوز هم ادامه دارد.»

■ شهدایی با لبان تشنه

دلتنگ هم می‌شود. آنجا که یاد شهدای می‌افتد. یاد شهدایی که در کنارش آسمنی شدند. آمنه وهاب‌زاده میان خاطرات شهدایی‌اش برایم از چند شهید تشنه لب روایت کرده. شهدایی که به وقت احتضار تشنه بودند و حاضر نبودند زودتر از رفیق‌شان آب بنوشند. آمنه وهاب‌زاده می‌گوید: «به هر کدام‌شان که آب تعارف می‌کردم، می‌گفتند اول به دوستم بده تا اینکه وقتی نوبت به پنجمین نفر رسید، دیگر جانی در بدن‌شان نبود و همگی شهید شدند. هیچ گله‌این لحظات را از یاد نمی‌برم، میان همه نفس‌هایی که گاهی من را به سختی می‌اندازد یاد این‌ها دلم را زنده نگه می‌دارد.»

■ دست به دعا...

به آمنه وهاب‌زاده می‌گویم، هر چند برایم سخت بود که در این شرایط با شما تماس بگیرم، اما دوست داشتم صدایتان را بشنوم. می‌گوید: «خوشحال شدم از تماساتن که من را یاد کردید و حالا دست به دعا می‌شود برای من و برای همه آنهایی که یاد و خاطره شهدا و ایثار گران را زنده نگه می‌دارند ان‌شاءالله خدا عاقبت بخیری نصیب شما کند»

■ همه آمنه‌های سرزمینم

خوشحال بودم از اینکه باز هم صدای آمنه را شنیدم. دوست داشتم این نوشتار را تقدیم به او و همه آمنه‌های سرزمینم کنم که در لحظات سخت این کشور وارد میدان شدند و چقدر ما مدیون و مرهون این دلاور زنان مجاهدیم، آنهایی که نه فقط سلاح به دست، بلکه در ستادهای پشتیبانی به صورت خودجوش و کمتر سازمان یافته در مراکز نظیر مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و غیره حضور داشتند. فعالیت زنان مسلمان در ستادهای پشتیبانی جبهه و جنگ به موارد خاصی محدود نمی‌شد و آنها متناسب با توانایی‌هایشان فعالیت‌های متنوعی انجام می‌دادند؛ خوشبختی، لباس رزمندگان و ملحفه‌های بیمارستانی؛ آشپزی، تهیه و پخت غذا، توزیع آذوقه در مناطق جنگی؛ خیاطی، دوخت لباس برای رزمندگان، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، نگهداری و محافظت از مهمات و حتی ساخت سنگر از فعالیت‌های زنان در طول سال‌های جنگ تحمیلی بود. زنانی که این فرموده امام خمینی (ره) را به منصفه ظهور و بروز رساندند که از دامن زن مرد به معراج می‌رود.»

گزارش



گزارش «جوان» از سفری به یاد ماندنی به مقتل شهیده‌ناهدفاتی کر جو در روستای هشمیز سنندج

ناهیدی که سمیه کردستان شد

■ مبیناشاتلو

بسیاری از ما شهادت آرمان‌علی‌وردی را هرگز از یاد نخواهیم برد. آن طلبه جوان بسیجی که حاضر نشد تحت شکنجه‌اغتشاشگران ضدانقلاب به حضرت آقا‌اهانت کند. همه رشادت آرمان به شهادتی ختم‌شد که خیلی‌ها حسرت‌ش را می‌خورند. آرمان شهید سال ۱۴۰۱ بود. اما تاریخ پر افتخار این کشور از این دست مردان و زنان کم‌نداشته و ندارد. می‌خواهم از شهید ۱۶ساله‌ناهدفاتی کر جو برایتان روایت کنم. دختر کردمسلمانی که حاضر نشد زیر شکنجه‌های کومله به امام‌خمینی (ره) اهانت کند و نهایتاً بعد از تحمل شقی‌ترین شکنجه‌ها به شهادت رسید.

■ روستای هشمیز سنندج

چند سال پیش بود که همراه با فعالان رسانه‌ای در خاکریز خیرنگاران جبهه جهادی منتظران خورشید راهی سنندج شدم تا به دیدار خانواده شهید و محل شهادت ناهدفاتی کر جو در روستای هشمیز برویم. هشمیز روستایی است در ۴۵ کیلومتری سنندج و در بخش شرقی هورامان. میان شهدای مهجور و مظلوم غرب نام ناهدفاتی کر جو می‌درخشد. دختری که اسقامت و رشادت‌ش مثال‌زدنی بود. او جانانه در مقابل شکنجه‌ها و شقاوت کومله ایستاد و نهایتاً در روستای هشمیز زنده به گور شد. پدر و خواهر ناهدفاتی کر جو در این سفر همراهان بودند تا ما را به محل شهادت فرزندش همراهی کنند.

■ توصیه به حجاب

محمد فاتیحی کر جو پدر شهیده هم اهل جبهه و جهاد است. او در مسیر از ناهدبرایمان می‌گوید:خترم متولد ۴ تیر ۱۳۴۴ بود. من آن زمان جزو پرسنل ژاندارمری بودم. فرصت زیادی برای حضور در خانه و همراهی با همسر در تربیت بچه‌ها نداشتم. همه زحمتان‌شان بر دوش مادرشان سیده‌زینب بود. او فرزندانش را با عشق و به اهل بیت(ع) تربیت کرده بود.

ناهد اهل تلاش برای خودسازی معنوی بود و بیش از هر چیزی به تلاوت قرآن کریم توجه داشت. دختر کر جفی بود و به حجابش اهمیت می‌داد. به دوستان و خواهران هم سفارش رعایت حجاب می‌کرد. زمان هر چه می‌گذشت، ناهد بیشتر متوجه شرایط سیاسی اجتماعی می‌شد. او راهش را انتخاب کرده بود و در جلسات مبارزه با رژیم شرکت می‌کرد. بارها مورد تعقیب ساواک قرار گرفته و چند مرتبه‌ای هم شکنجه شده بود، اما علاقه عجیب او به امام خمینی (ره) باعث می‌شد پای آرمان‌های انقلاب و اعتقاداتش بماند.

■ تدفین در بهشت زهرا(س)

پدر از ربه‌ود شدن ناهد می‌گوید: زمانی که کومله ناهد را ربود من در منطقه عملیاتی و در جبهه‌های جنگ بودم. خودم را به خانه رساندم و هر چه گشتم خبری از ناهد نبود که نبود. گاهی هم به مادرش طعنه و کنایه می‌زدم که تو نتوانستی از دخترم مراقبت کنی. اما مادرش سیده زینب که آن زمان باردار بود، چادر به سر

جدول

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۷۷۹

از راست به چپ

۱- قهرمان ملی و جهان اسلام که منطقه را از شر داعش نجات داد ■ ۲- حس بویایی- آژیر خطر- نان خردشده در آبگوشت ■ ۳- خوردنی نامآکول- خاکستری رنگ- از امراض جدلی- نوعی حلوا ■ ۴- مادر لر - حلال دانستن- نمونک ■ ۵- موش خرما- چوب خوشبو- تارس- محوطه و مکان ■ ۶- ضروری و واجب- شبیه- رود آرام ■ ۷- شهری در استان اصفهان- سحر باران مولان- گندم ■ ۸- غذای شتر- سیاس شیرین- گلابوی دو کشتی گیر با هم ■ ۹- رمق آخر- واحد شمارش شتر- الحاد ناتمام ■ ۱۰- نگاه خیره- کتیبه باستانی استان کرمانشاه- از اقلیت‌های مذهبی ■ ۱۱- زبان فارسی قدیم- جمله قرآنی- صحنه نمایش- پرس اسب ■ ۱۲- بندر- طولانی کردن- رود فرانسوی ■ ۱۳- مغرور- پاروی قایق‌رانا- فیلم کوتاه تبلیغی- حرف سر به مهر ■ ۱۴- سمت راست- گردنکش- ماهیچه ■ ۱۵- خانه از پای بست ویران است/ خواجه در..

از بالا به پایین

۱- یادگانی از دوران دفاع مقدس در اهواز- ستاره این روزهای کشتی ایران ■ ۲- از سلسله‌های حکومتی ایران- از طوایف غیور- سلاح ترکیبندی ■ ۳- شأن و منزلت- شهر آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی- عنصر شیمیایی- پول زاین ■ ۴- شهر سوهان- از آلات نجومی- جنگ و جدال ■ ۵- تشری انار- پسوند صفت ساز- تخم کتان ■ ۶- از اسامی پسران- غیرنقدی- مشق میان تهی ■ ۷- لقب پیروان حسن صباح- مخلوط آهک و خاک و شن- فرمان تیراندازی ■ ۸- بدون غل و غش- نوعی پارچه نرم- رشد دادن ■ ۹- از گویش‌های ایرانی- پیرایند- شاخه‌ای از مسیحیت ■ ۱۰- می‌وارونه- بازیکن سنگالی بایرن مونیخ- شترمرغ آمریکایی ■ ۱۱- ظرف پلاستیکی برای نگهداری مایعات- رشته و نخ- بی حال ■ ۱۲- رود شمال شرقی ایران- حرکتی در ژیمناستیک- از عرب ■ ۱۳- جفت ماده- گرمی- افتتاح- ثامن الائمه ■ ۱۴- سال آخری- مخالف- مربی سپاهان ■ ۱۵- کتابی از چارلز دیکنز- پاکی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک‌سهر سه فقط یک‌بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۷۷۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	م	ی	ف	ه	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۲	ز	و	ا	ر	م	ی	ا	ف	ا	ن	ک	ب	ا	ت
۳	ع	ر	ا	ی	ع	ر	ا	ف	ا	ن	ک	ب	ا	ت
۴	ت	و	ر	ا	ل	ع	ن	م	ز	ب	و	ر	ا	ت
۵	ش	ا	ی	ر	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۶	ه	ر	ی	و	ل	ع	ر	ا	ف	ا	ن	ک	ب	ا
۷	ا	ر	و	ی	ر	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا
۸	ر	د	ی	ر	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۹	ش	ا	ی	ر	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۱۰	م	ی	ف	ه	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۱۱	م	ی	ف	ه	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۱۲	م	ی	ف	ه	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت
۱۳	د	ی	م	ی	ر	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا
۱۴	ن	ی	ب	ی	و	ل	ع	ر	ا	ف	ا	ن	ک	ب
۱۵	ب	ی	ف	ه	ا	ن	ک	ب	ی	ر	ا	ت	ا	ت



جمهور و حضور در اندیشه امام (ره)

۱۴ خرداد امسال نیز رهبر معظم انقلاب در صدر بیانات خود سعی در تبیین ابعاد شخصیتی و فکری امام خمینی (ره) داشتند. یکی از نکات مطرح‌شده توسط رهبر معظم انقلاب، موضوع «جمهوریت» در اندیشه امام بود که ایشان آن را با ادبیات قرآنی «ایمان به مردم» اینگونه توضیح دادند: «امام به مردم اعتماد داشت؛ هم به عمل مردم و به انگیزه‌های مردم، هم به رأی مردم، جمهوری اسلامی، این مردمسالاری در جمهوری اسلامی، کلمه «جمهوری»، ناشی از همین اعتماد امام بزرگوار به مردم بود. بعضی‌ها با برداشت‌های غلط خودشان این حرکت امام را جور دیگری فهمیدند، جور دیگری بیان کردند، این‌جور وانمود کردند که امام کلمه جمهوری را از روی رودریاستی گفت!امام آدمی که در رودریاستی گیر کند، نبود. امام کسی نبود که به خاطر خوشامد این و آن حرفی بزند، اعتقادش بود، لذا مردمسالاری را مطرح کرد.»

اندکی جست‌وجو در بیانات مختلف امام خمینی (ره) به ما اهتمام ایشان به حضور مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. مانند آنچه ایشان در دیدار با دانش‌جویان مدرسه عالی شمیران فرمود: «باید بدانید که ما باز مرحله‌ی در پیش داریم و باید به آن مراحل برسیم و جمهوری اسلامی با محتوای واقعی خودش در ایران پیاده نشود. الان گرچه اصل جمهوری تشکیل شده و الان رژیم ما رژیم جمهوری ایران هستیم، لکن به واسطه اینکه باز محتاج به یک فعالیت‌ها و محتاج به یک بررسی‌هایی است که محتوای اسلام و جمهوری اسلامی و احکام اسلام در ایران- بلکه ان‌شاءالله در سایر کشورهای اسلامی- پیاده شود، ما محتاج به شما هستیم، محتاج به ملت محترم ایران هستیم، محتاج به باتوان مردان ایران هستیم. همه با هم باید تشریک مساعی کنیم تا محتوای حقیقی احکام اسلام جریان پیدا کند.» (صحیفه امام، ج۷،ص ۱۴۵)

قطعاً یکی از مهم‌ترین سؤالات بی‌پاسخ در برابر اهالی اندیشه این است که چگونه می‌توان به حضور مردم در عرصه‌های مختلف کمک کرد تا از ظرفیت عظیم مردم به منظور حل مشکلات کشور بهره برد؟ به ویژه عرصه اقتصاد که بنا بر تعبیر رهبر معظم انقلاب یکی از مشکلات اساسی آن تصدی‌گری دولت و عدم ورود جدی مردم به آن است. (بیانات معظم‌له، اول فروردین ۱۴۰۲)

این سؤال در جای خود پاسخ‌های احتمالی فراوانی می‌طلبد، لکن مروری بر تاریخ چند دهه بعد از انقلاب به ما می‌فهماند به جز حضور جدی مردم در عرصه انتخابات، دیگر عرصه‌ها از حضور جمهور بی‌بهره است، لذا پیش از هر چیز گویی باید بر سر این موضوع داد سخن سر داد که همگان وظیفه داریم جمهوری‌را تا عرصه سیاسی مانند انتخابات به سایر عرصه‌های حیات اجتماعی انسان تسری دهیم؛ چیزی که همواره مطالبه امام و رهبری بوده است.

اندیشه معنوی

معنویت صادق و کاذب

■ **مهدی باقری**

نهیلمیس و رسیدن انسان به بن‌بست پوچی که نتایج و تبعات مختلف فردی و اجتماعی را به جامعه تحمیل می‌کند، از زمره دردهایی است که بسیاری برای رهایی از آن، نسخه معنویت و معناگرایی را تجویز می‌کنند تا با شکل دادن به «انسان در جست‌وجوی معنا» شکل زندگی را تغییر دهند.

در این میان واژه «معنویت» به دلیل آنکه دارای ابعاد مختلفی است، به مصادره مکاتب گوناگون در آمده و در مواردی از نسخه‌ای نجات‌بخش به ضد خود بدل گشته و تبعات و آسیب‌های دیگری را به بشر تحمیل کرده است. از این‌رو بررسی ابعادی از «معنویت» مانند توحیدی یا اساطیری بودن معنویت و همچنین معنویت صادق و کاذب، برای شناخت نسخه حقیقی شفافیش انسان ضرورت دارد.

معنویت صادق و کاذب به دو معنا به کار می‌رود:

الف) سنجش صندق و کذب یک معنویت با معیار علمی و عقلی.

در این معنا معنویت صادق، معنویت‌ای است که مطابق واقع باشد، و براهین عقلی یا مکاشفات رحمانی صندق آن را تأیید کند. مانند توحید که موافق برهان است. معنویت کاذب هم‌اعتقاد به حقایق مافوق طبیعی به گونه‌ای خلاف واقع است. این نوع معنویت که با عقاید خرافی در آمیخته، موافق برهان عقلی و نقلی و مکاشفات صحیح نیست، مانند باورهای مشرک‌های و اساطیری.

ب) سنجش صندق و کذب یک معنویت بر اساس موافقت یا مخالفت رفتار با اعتقاد یا عمل با علم. در این معنا، هر گاه رفتار و گرایش عملی فرد با باورها و اعتقادات معنوی او هماهنگ باشد، در اظهار ایمان خود صندق و اخلاص دارد و هر گاه بُعد رفتاری او موافق باور و اعتقاد معنوی‌اش نباشد، مثل اینکه به رغم تصدیق حقایق و آرمان‌های معنوی جهت‌گیری عملی او صورتی دنیوی داشته باشد، معنویت‌وی کاذب است.انسان فاسق گرفتار معنویت کاذب به این معناست، زیرا او به رغم اینکه به لحاظ نظری دارای باور دینی است، به لحاظ عملی مخالف آن رفتار می‌نماید. مدینه فاسقه در بیان قارایی نیز به همین معنا در سطحی فرهنگی دارای معنویت کاذب است.

منافق نیز از معنویت کاذب به معنای دوم آن برخوردار است، زیرا به رغم آنکه به لحاظ رفتاری گرایش دنیوی دارد، در بعد نظری، رفتار خود را برای دیگران توجیه معنوی می‌کند.

انگیزه فرد با باور اعتقادی که اظهار می‌دارد اختلاف است، هر چند بین رفتار و اعتقاد باطنی منافق اختلافی نیست چرا که او در باطن خود باوری معنوی ندارد تا معنویت از طریق رفتارش تکذیب نشود. توجه به معیارهای سنجش معنویت‌ها می‌تواند ما را از گرفتاری در دام معنویت‌های کاذب خلاصی بخشد.

■ **پرگرفته از کتاب رنسانس دینی و سکولاریسم پنهان**

■ **سیدمیشم میر تاج‌الدینی**

در جهان آشفتنگی‌ها که از اقتصاد تا سیاست و فرهنگ را پوشش داده و حتی زیست روزمره را دچار اختلال‌هایی کرده است که عبور و مرور و رفت و آمد را هم بابت ترافیک آشفته‌احوال نموده، برخی بر این باور هستند که دامنه این آشفتنگی از این هم فراتر رفته و به جهان مفاهیم هم سرایت کرده است. اینکه امروزه هر لفظی را در هر جایی استفاده می‌کنیم، یعنی به ورطه‌ای گرفتار آمده‌ایم که واژه‌های مهم و اصیل، همه‌جایی ششده‌اند و در هر بستری می‌آرامند و این نتیجه‌ای ندارد جز آشفتنگی. سیدجواد میری ضمن تحلیل وضعیت دینداری جامعه در کتاب «تمایز میان امر سکولار و امر عرفی» یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی را همین «آشفتنگی مفهومی» شناسایی کرده و معتقد است در این فضای آشفته امکان فهم عمیق مشکلات وجود ندارد، لذا آنهایی که می‌خواهند جامعه را به سمت دینداری سوق دهند، در مسیر بی‌دین کردن مردم با شتاب تاخته‌اند. ادامه

مروری نقادانه بر این سخنان خواهیم داشت.

■ **اصل سخن**

ابتدا در تقریر اصل سخن سیدجواد میری باید به اجمال گفت که ایشان با تفکیک میان حاکمیت دین و حاکمیت دینی، سعی دارد نشان دهد حاکمیت دین یعنی نفوذ در قلب‌ها و تسخیر دل‌ها به وسیله محبت چراکه اساساً دین از سنخ محبت و ولاد است، درحالی‌که حاکمیت دینی یعنی اسلام سیاسی با اسلام با قرارت فقهی و ایدئولوژیک، ابزاری به نام قدرت و زور و عنف دارد و محل اعمال حکومت آن به جای قلب و دل، حوزه رفتار مردم است.

از این‌رو باید ستون دین که همان تعبیر «لااکراه» است حفظ شده و با تکیه بر این اصل، هر گونه ورود دین به عرصه قدرت یا بنساندن دین در جایگاه قدرت را نقد کرد چراکه این ورود به معنای خروج دین از ماهیت غیراکراهی خودش است از آلوده بی دارد، گریز و ستیز عامه مردم از چنین دینی است. با این وصف درواقع ما وضعیتی را شاهدیم که در آن «حاکمیت دینی هرچقدر بر دینداری پافشاری می‌کند به انحای مختلف به دین‌زدایی از جامعه کمک می‌کند.»

■ **نقد سخن**

حال برای نقد این نگاه و پرداختن به گره‌های اصلی این مدعا، باید از خود همان موضوع «آشفتنگی مفهومی» بهره جوییم.

در واقع تعریفی که سیدجواد میری از دین ارائه می‌کند، تعریفی تفکیکی است که شبیه آن را در ادبیات انتزاعی اهالی فلسفه بسیار دیده‌ایم؛ تعریفی که دین را ویژه ساحت محبت و عشق قلمداد کرده است و گویی برای تنزیه دین از سیاست و حفظ تقدس آن، باید تلاش کرد دامن دین از آلوده شدن به قدرت(به معنای مدرنش) حفظ شود، البته می‌توان فراتر رفت و سرمنشأ این خطا را در رویکردی رایج و شایع دنبال کرد که صرف دینداری را برای اظهار نظر در حوزه مسائل تخصصی دین کافی می‌داند.

اما اینجا ما صرفاً اشاره به همان خلط و آشفتنگی

د

تعریفی که سیدجواد میری از دین ارائه می‌کند، تعریفی تفکیکی است که شبیه آن را در ادبیات انتزاعی اهالی فلسفه بسیار دیده‌ایم؛ تعریفی که دین را ویژه ساحت محبت و عشق قلمداد کرده است و گویی برای تنزیه دین از سیاست و حفظ تقدس آن، باید تلاش کرد دامن دین از آلوده شدن به قدرت(به معنای مدرنش) حفظ بی دارد، گریز و ستیز عامه مردم از چنین دینی است. با این وصف درواقع ما وضعیتی را شاهدیم که در آن «حاکمیت دینی هرچقدر بر دینداری پافشاری می‌کند به انحای مختلف به دین‌زدایی از جامعه کمک می‌کند.»

■ **نقد سخن**

حال برای نقد این نگاه و پرداختن به گره‌های اصلی این مدعا، باید از خود همان موضوع «آشفتنگی مفهومی» بهره جوییم. در واقع تعریفی که سیدجواد میری از دین ارائه می‌کند، تعریفی تفکیکی است که شبیه آن را در ادبیات انتزاعی اهالی فلسفه بسیار دیده‌ایم؛ تعریفی که دین را ویژه ساحت محبت و عشق قلمداد کرده است و گویی برای تنزیه دین از سیاست و حفظ تقدس آن، باید تلاش کرد دامن دین از آلوده شدن به قدرت(به معنای مدرنش) حفظ شود، البته می‌توان فراتر رفت و سرمنشأ این خطا را در رویکردی رایج و شایع دنبال کرد که صرف دینداری را برای اظهار نظر در حوزه مسائل تخصصی دین کافی می‌داند.

اما اینجا ما صرفاً اشاره به همان خلط و آشفتنگی

«لااکراه فی‌الدین» درصدد تعریفی از دین است که حوزه نفوذ آن صرفاً قلب است و سپس هر گونه اعمال ولایت و هر گونه حکومتی از مقوله استیلا و سلطه و از جنس قدرت قلمداد می‌شود. تعبیر سیدجواد میری این است: «ولایت به معنای محبت است و به معنای عنف نیست. ولایت و عنف باهم یکسان نیستند. عنف به معنای حکومت در است در حالی که ولایت مبتنی بر محبت و دوستی است.»

■ **اولین آشفتنگی مفهومی**

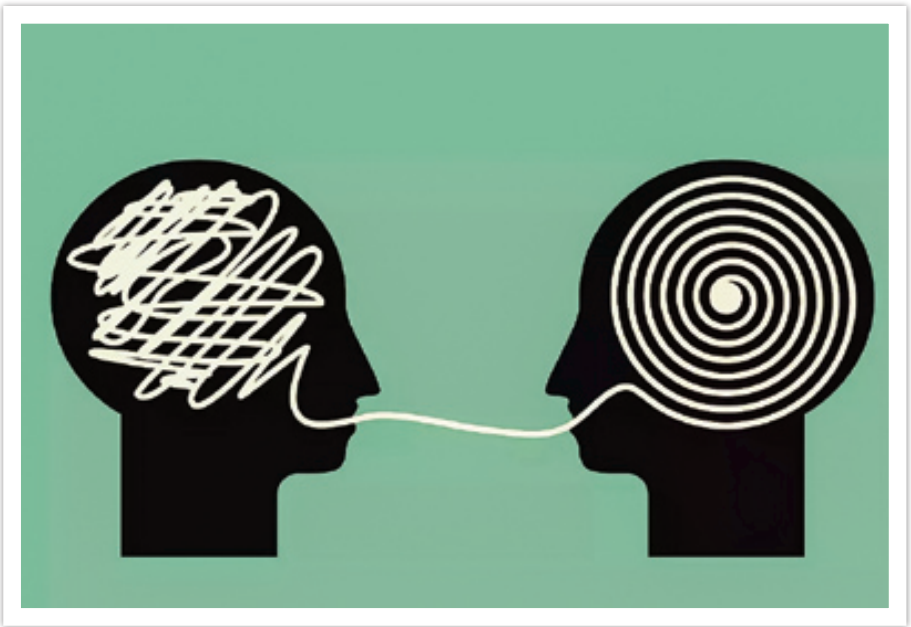
اینجا اولین آشفتنگی مفهومی را می‌بینیم؛ خلط معنای حکومت و قدرت در پارادایم حکومت اسلامی با آنچه از حکومت و قدرت در پارادایم دولت- ملت فهم می‌شود. به دیگر سخن آنجا که دین می‌خواهد حکومت خود را اعمال کند، این اعمال قدرت از سنخ قرار گرفتن دین در جایگاه قدرتی که دولت- ملت به عنوان یک امر مدرن ازام می‌کند، نیست، لذا سیدجواد میری می‌توانست پیش از آنکه از اساس دین را مقوله‌ای محبتی تعریف کند که گویی با اصل قدرت بیگانه است، سراغ نقد همین خلط مفهومی قدرت برود چراکه در دامه خواهیم گفت، شکل حکومت دینی محبت و قدرت را توأمان دارد و این قدرت، متفاوت است و عنف و زور در دولت- ملت به عنوان امری مدرن است و برای پالون چنین زورمشاری مدرنی از ساحت دین، نباید اساساً دین را تپهی از هر گونه حکومت و قدرتی تلقی کرد.

■ **دومین آشفتنگی مفهومی**

دومین آشفتنگی مفهومی که امتداد آشفتنگی قبلی است، پیرامون برداشت از عبارت «لااکراه» رقم خورده است، در نگاه میری لااکراه طوری

آشفتنگی مفهومی در توضیح حکومت دینی

مروری انتقادی بر نظرات سیدجواد میری پیرامون تعریف دین و تبیین حکومت دینی



■ **الرحمان و تجمیع محبت و قدرت**

مضافاً آنکه در ادبیات دینی مهم‌ترین واژه‌ای

که عمق محبت و ولایت را می‌رسانند، مفهوم

«الرحمان» است.

رحمان یعنی رحمت عامه‌ای که در ذیل خیمه آن همه مخلوقات فارغ از همه مشخصه‌ها، بهره‌مند و برخوردار از محبت و نعمات خدایند، از این رو بسیاری برای نشان دادن ذات دین، به رحمت عامه و رحمت خاصه که تجلی در دو مفهوم «الرحمان» و «الرحیم» دارد، تمسک می‌جویند و تمام دین را به همین دو مفهوم تعریف می‌کنند. اینجاست که می‌توان باز همان تکنیک‌های انتزاعی را شاهد بود که انگار توان فهم ممزوج بودن محبت و قدرت را از ما ستانده و در نتیجه نمی‌تواند دینی را تعریف کند که در عین داشتن محبت، بی‌خیال قدرت نیست و می‌خواهد در سه حوزه ذهن، قلب و رفتار اثر گذار باشد که ملت کم، قلبی لکم مسلم، ایابی لکم نبی و نصرتی لکم معده، برای آنکه بتوانیم این ایرادات مشخصاً انتزاعی را رفع کنیم، ادبیات قرآن خود راهگشاست. آنجا که وقتی «الرحمان» به عنوان یک کلیدواژه اساسی در تبیین محبتی بودن دین به کار می‌رود، باز همین واژه در کنار واژگان دیگری مانند «عرش» و «حکم» به کار گرفته می‌شود که مشخصاً گرّه خورده با امر قدرت و حکومت هستند.

(طه/۵؛ انبیاء/۱۱۲)

اینجا می‌توان به تمثیلی برای تقریب ذهن تمسک کرد. من و شما وقتی کوهی را فتح می‌کنیم بر شانه‌های آن ایستاده‌ایم اما درست در همان لحظه که کوه از باب محبت به ما اجازه ایستادن بر شانه‌هایش را می‌دهد، ما عظمت، قدرت و شکوهمندی آن را در ک می‌کنیم، از این رو برخی معتقدند پدر برای فرزند باید اینگونه باشد. ممزوجی از محبت و قدرت و شوکت، در عین آنکه به فرزند خویش اجازه بالا رفتن از شانه‌هایش را می‌دهد، این فتح شانه کوچکی و حقارت او نیست بلکه رفتن، عظمت و قدرت پدر را می‌یابد و محبت او افزون می‌شود، اما گویی این درک از واقعیات، همخوان با دریافت‌های صرفاً انتزاعی نیست که با تفکیک، ساحت محبت و قدرت را جدا می‌کند.

■ **ولایت فقیه یا وکالت حکیم؟**

سپس در خلال تمامی این مباحث می‌توان متأثر بودن سیدجواد میری از نظریه «وکالت حکیم» دکتر مهدی حائری را به وضوح دید. وی با طرح قدرت و حکومت و ابزار عنف و زور نشان داد چنین حاکمیتی با دین فاصله دارد و چون امروزه دین در جایگاه قدرت نشسته، متوالی چنین قدرتی فقط فقه‌ای می‌تواند باشد، از این رو به آنها با مفهوم «وکالت حکیم» بسط بداده می‌شود، در حالی که معتقد است ولاد از سنخ محبت است نه قدرت و دین باید با ابزار محبت در حوزه قلب نفوذ کند و حکمت‌آفرین باشد، نه آنکه به شکل دولت-ملت‌های مدرن از جنبه قدرت ورود و با عنف و زور و اعمال ولایت به معنای استیلای آن، رفتار سازی کند، آن هم رفتار سازی‌ای که به ربای نظام‌مند و سازمان یافته جامعه منجر می‌شود، لذا در پارادایم مدنظر میری، ما به جای ولایت فقیه باید وکالت حکیم داشته باشیم.

جامعه بازاری

کالایی شدن همه چیز به پول اهمیت بیشتری بخشیده و نیش نابرابری را گزنده‌تر کرده است

بود، چون با انسان مثل کالا، چیزی که خرید و فروش می‌شد، رفتار می‌کرد، با این نگاه نمی‌شود انسان را درست ارزش‌یابی کرده‌موجودی که کرامت و حرمت دارد و وسیله سودجویی و بهره‌رکشی نیست.

همین حرف را می‌توان درباره دیگر چیزها و کارها هم زد، ما اجازه نمی‌دهیم کودکان را در بازار خرید و فروش کنیم، حتی اگر خریدارها با کودکان بدرفتاری نکنند، خود به بازار بردن کودکان برداشت نادرستی از ارزش گذاری آنان ایجاد می‌کند. کودکان کالای مصرفی نیستند، سبزاروار محبت و مراقبت هستند. با حقوق و تکالیف شهروندی را در نظر بگیرید، ما نمی‌توانیم به شهروندان مان اجازه بدهیم رأی خود و ارزش‌روشنند، ولو خریداران زیادی هم داشته باشند. چرا نمی‌توانیم؟ چون متواندیم تکالیف مدنی را نباید ملک خصوصی به شمار آورد، باید مسئولیت اجتماعی بشمرد. واگذار کردن آنها یعنی بی‌ارزش کردن آنها یا ارزش‌گذاری نادرست آنها.

این مثال‌ها نکته‌ای کلی را نشان می‌دهند؛ بعضی چیزهای خوب زندگی ما اگر صورت کالا پیدا کنند، فاسد می‌شوند و ارزش‌شان را از دست می‌دهند.

ما متأسفانه به جای داشتن اقتصاد بازار، به سمت جامعه بازاری سوق داده شدیم. اقتصاد بازار یک ابزار برای ساماندهی فعالیت‌های تولیدی است و ابزار سالارزش و کارآمدی هم است. جامعه بازاری یک شیوه زندگی است که در آن ارزش‌های بازار و استفاده کردن، بر خورد کرده، امسا به این صورت در هر جنبه‌ای از زندگی انسان رخنه کرده‌اند. در این جامعه، روابط اجتماعی به شکل بازاری از نو ساخته می‌شوند.



د

بعضی چیزهای خوب زندگی ما اگر صورت کالا پیدا کنند، فاسد می‌شوند و ارزش‌شان را از دست می‌دهند. ما متأسفانه به جای داشتن اقتصاد بازار، به سمت جامعه بازاری سوق داده شده‌ایم

اگر با ثروت فقط بتوان قایق شخصی و ماشین کورسی و تعطیلات آنچانی خرید، نابرابری درآمد و دارایی خیلی اهمیت پیدا نمی‌کند، اما اگر با پول بشود روز به روز چیزهای بیشتری خرید، توزیع درآمد و دارایی مهم‌تر می‌شود؛ نفوذ سیاسی، مراقبت پزشکی بهتر، خانه‌ای در محله‌ای امن و نه در محله جرم‌خیز، امکان تحصیل در مدارس نخبه‌پرور به جای مدارس ورشکسته. وقتی که همه چیزهای خوب قابل خرید و فروش باشند، زمین تا آسمان فرق می‌کند که پول داشته باشید یا نداشته باشید، لذا کالایی شدن همه چیز به پول اهمیت بیشتری بخشیده و نیش نابرابری را گزنده‌تر کرده است.

■ سمانه صادقی

سیده فاطمه نواب صفوی فرزند شهید سیدمجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام، در زمره وزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس و یاران شهید دکتر مصطفی چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم به شمار می‌رود. وی در گفت و شنود بی آمده، به تبیین سیره فردی و اجتماعی آن بزرگ پرداخته است. امید آنکه علاقمندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

طبعاً نخستین پرسش مادر این گفت‌وشنود، درباره چگونگی آشنایی شما با شهید دکتر مصطفی چمران است؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم، من و همسر م با توجه به فعالیت‌های سیاسی که پیش از انقلاب داشتیم، به شکلی محترمانه به سیستان و بلوچستان تبعید شده بودیم. به همین دلیل و در همان دوران، تصمیم گرفتیم برای ادامه تحصیل به امریکا برویم. با اوج گرفتن جریانات انقلاب و کشتار مردم قم و تبریز، احساس کردم دور بودن ما از این قضایا درست نیست. لذا در ابتدای سال ۱۳۵۷، همراه با دخترم به ایران آمدم. همسر م بعداً و همراه با حضرت اسام، از پاریس به ایران آمد. در دوران تحصیل در امریکا، در یکی از سمینارهایی که بچه‌های انجمن اسلامی در ایالت‌های مختلف برگزار می‌کردند، از طریق دکتر یزدی با «حرکت المحرمین لبنان» و شخص شهید «دکتر مصطفی چمران» و «حرکت امل» آشنا شدم.

در اینجا بی‌مناسبت نیست که توضیحی درباره نحوه تأسیس حرکت امل بدهم. همانطور که می‌دانید، لبنان سرزمینی طائفه‌ای است. طائفه مسیحی، طائفه دروزی، طائفه اهل سنت و طائفه شیعه در این سرزمین زندگی می‌کنند. حال با اینکه شیعیان بالاترین رقم را از نظر نسل و جمعیت در لبنان دارا بودند، فرانسویان در مقطع ترک این منطقه، قانون اساسی را طوری تنظیم کردند که کمترین بودجه و امکانات به شیعیان تعلق گیرد! یعنی از صدر صد بودجه، ۹۸درصد به مسیحیان مارونی و دیگران رسید و تنها دو درصد برای شیعیان باقی ماند! علاوه بر آن طبق قانون قرار شد که رئیس‌جمهور حتماً مسیحی‌های مارونی، رئیس مجلس از شیعیان و نخست وزیر از اهل سنت انتخاب شود. از طرفی با اینکه تمام طوایف برای احقاق حقوق خود در پارلمان و دولت، مجلسی داشتند، شیعیان لبنان از این نظر نیز محروم بودند. در چنین وضعیتی علامه سیدشرفالدین عاملی از علمای بزرگ لبنان، از امام موسی صدر دعوت می‌کند که به لبنان بیاید و مدیریت وضعیت شیعیان را بر عهده بگیرد. ایشان معتقد بود که در این شرایط، تنها امام موسی صدر است که می‌تواند اوضاع را سامان دهد. امام موسی صدر در ابتدا، برای رسیدگی به مشکلات و محرومیت‌های شیعه، مجلس اعلای شیعیان را تأسیس می‌کند. چراکه با وجود پیشرفته بودن لبنان، مردم جنوب این کشور – که از شیعیان تشکیل می‌شدند- حتی برق هم نداشتند! امام موسی صدر تعصبات قومی نداشتند، اما با فعالیت‌های خود محبوبیت بسیاری پیدا می‌کنند و میان قبایل مختلف، همبستگی به‌وجود می‌آورند. مسیحیان، اهل سنت، و دیگر طوایف، عاشقانه ایشان را دوست داشتند. حتی اعتصاب غذای ایشان، باعث پایان یافتن جنگ داخلی لبنان می‌شود و طوایف متخاصم، به حکم آشتی می‌کنند. در این دوران امام موسی صدر، حرکت المحرمین را تأسیس می‌کنند که گامی در ارتقای شرایط شیعیان این کشور بود.

نخستین دیدار شما با شهید دکتر چمران، چگونه و در چه شرایطی صورت گرفت؟

همانطور که گفتم در سمینارهای انجمن اسلامی، در خصوص حرکت المحرمین و حرکت امل، تنها تکانی را شنیده بودم. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر چمران مرتباً در رادیو سخنرانی داشت و من بیانات ایشان را دنبال می‌کردم. سخنرانی‌های دکتر چمران در رادیو، آنقدر در من تأثیر گذاشت که احساس می‌کردم تمام وجود ایشان صداقت است و نگاه بسیار زیبایی به

جهان و مردم دارد. حال پسر عموم، را داشتیم که در جبهه کردستان همراه با دکتر چمران جنگیده بود. او بسیار از ایشان تعریف می‌کرد و می‌گفت: «فاطمه! نمیدانی دکتر چقدر انسان درست و بزرگی است؟ این تعریف‌ها و همچنین سخنرانی‌های دکتر در رادیو، چنان تأثیری بر من گذاشته بود که تصمیم گرفتم سفر به فلسطین و دیدار و صحبت با خانم چمران، توبه و با خود عهد کردم تا مسئله‌ای را با چشم خود ندیدم، باور نکنم. البته این افراد حسود، بارها در لبنان هم برای جان دکتر نقشه کشیده بودند. به عنوان مثال برخی از افراد نزدیک دکتر را فریب می‌دادند که در ازای دریافت پول ایشان را بکشند! بارها این اتفاق افتاده بود که فردی روی دکتر اسلحه بکشد و در مقابل برخورد زیبایی ایشان، شرمندۀ شود. دکتر به این افراد می‌گفت: «عزیز می‌خواهی مرا بکشی؟ اگر برات استفاده دارد من آماده‌ام!». هر بار هم آنها خودشان اسلحه را تحویل داده، عاشق دکتر می‌شدند. من در همان دوره در یکی از مقالاتم نوشتم که نگاه کردن به چهره دکنر انسان ساز است! چهره یک نفر آنقدر روحانی، معنوی و فوق تصور است که ناخوداگاه در مخاطب معنویت به‌وجود می‌آید. خانم چمران می‌گفت: وقتی دکتر چمران مقالات درباره جنوب لبنان را می‌خواندند که به‌رغم چهره خشنی که منافقین از ایشان ترسیم کردند، در جنوب لبنان چطور نام دکتر مقدس است و مردم عاشقانه دوستش دارند، همین طور گریه می‌کرد!

نگاه دکتر چمران به مبارزات شهید سیدمجتبی نواب صفوی و یارانش چگونه بود؟

ایشان خیلی به آقاچام و به همین دلیل به من، احترام زیادی می‌گذاشتند. هر چند یکبار دکتر در مورد اعضای جبهه ملی مثبت صحبت کردند و من چون ناخوداگاه با تمجید از هر کس که آقاچام را

چنان اثری بر من گذاشت که وقتی به سردشت رسیدم، اصلاً رغبت نکردم با ایشان مصاحبه کنم! هر چند با دکتر چمران و همسرش احوالپرسی کردم و در عین حال مهمانشان بودم. بعد برای مصاحبه با عزالدین حسینی، عبدالرحمان قاسملو و جلال طالبانی، به دره دولتو کردستان رفتم و با رؤسای حزب دموکرات کردستان مصاحبه کردم. خداشاهد است بعد از اینکه اولین سفرم را به دعوت سازمان آزادی بخش فلسطین به لبنان داشتم و فرماندهان ارشد فلسطینی در مورد دکتر چمران سؤال کردم که آیا در تل زعتر چنین جنایتی انجام شده، جملگی آنها گفتند: دروغ است! معلوم شد که با دکتر چمران، از روز حسادت چنین گفته است. در آن دوره از سران نهضت‌های آزادی بخش دنیا دعوت می‌شد که به ایران بیایند. من در یکی از این مهمانی‌ها، دوباره همسر دکتر چمران را دیدم. ایشان در آن مجلس به من گفتم: شما چرا وقتی به لبنان آمدید، به منزل ما نیامدید؟ گفتم: ایرادی ندارد، دوباره می‌ایم. همان شب همسر دکتر، مرا برای دیدار با دکتر چمران به منزلشان برد. آن اولین دیدارم با دکتر چمران بود. از آن به بعد خانم چمران مانندخواهرم و دکتر برایم به سان اسادی بزرگ شدند.

با توجه به ذهنیتی که از قبل نسبت به دکتر داشتید، دیدار اولتان با ایشان چگونه شکل گرفت؟

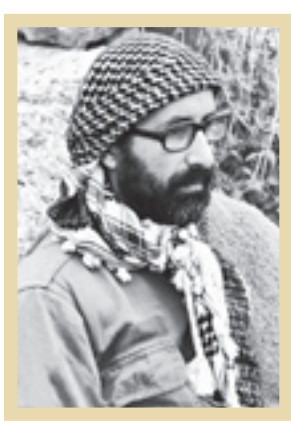
با وجود صحبت‌های مغرضانه آن فرد، رفتارم با دکتر مؤدبانه بود. ولی در دلم می‌گفتم: شاید درون شخصیتی که می‌بینم، چیز دیگری است! مثل پرده غباری که روی آینه بنشیند، اینطور بودم. ولی بعد از سفر به فلسطین و دیدار و صحبت با خانم چمران، توبه و با خود عهد کردم تا مسئله‌ای را با چشم خود ندیدم، باور نکنم. البته این افراد حسود، بارها در لبنان هم برای جان دکتر نقشه کشیده بودند. به عنوان مثال برخی از افراد نزدیک دکتر را فریب می‌دادند که در ازای دریافت پول ایشان را بکشند! بارها این اتفاق افتاده بود که فردی روی دکتر اسلحه بکشد و در مقابل برخورد زیبای ایشان، شرمندۀ شود. دکتر به این افراد می‌گفت: «عزیز می‌خواهی مرا بکشی؟ اگر برات استفاده دارد من آماده‌ام!». هر بار هم آنها خودشان اسلحه را تحویل داده، عاشق دکتر می‌شدند. من در همان دوره در یکی از مقالاتم نوشتم که نگاه کردن به چهره دکنر انسان ساز است! چهره یک نفر آنقدر روحانی، معنوی و فوق تصور است که ناخوداگاه در مخاطب معنویت به‌وجود می‌آید. خانم چمران می‌گفت: وقتی دکتر چمران مقالات درباره جنوب لبنان را می‌خواندند که به‌رغم چهره خشنی که منافقین از ایشان ترسیم کردند، در جنوب لبنان چطور نام دکتر مقدس است و مردم عاشقانه دوستش دارند، همین طور گریه می‌کرد!

نگاه دکتر چمران به مبارزات شهید سیدمجتبی نواب صفوی و یارانش چگونه بود؟

ایشان خیلی به آقاچام و به همین دلیل به من، احترام زیادی می‌گذاشتند. هر چند یکبار دکتر در مورد اعضای جبهه ملی مثبت صحبت کردند و من چون ناخوداگاه با تمجید از هر کس که آقاچام را

کمی رنجاده باشم، دلم می‌گیرد، ناراحت شدم. خاطرم هست که در آن روز، کمی چهارم در هم فرو رفت. اما دکتر آنقدر باهوش بود که فوراً احساس کرد که من قدری ناراحت شده‌ام. لذا گفتند: «هن پدر تان را خیلی دوست دارم، وقتی ایشان شهید شدند، من از پشت دیوارها و خرابه‌های قبرستان مسگر آباد بالا می‌رفتم و تا نیمه شب، بر سر مزار پدرتان گریه می‌کردم!». همان طور که می‌دانید، قبرستان مسگرآباد پس از تدفین آقاچام و یارانش، تا مدت‌ها در محاصره نظامی بود و هیچکس اجازه ورود به آنجا نداشت. دکتر آن روز خیلی نسبت به من و پدرم محبت کردند و گذاشتند مکرر شوم. البته بعدها در یکی از دعوت‌هایی که مؤسسه فرهنگی شهید نواب صفوی از مهندس مهدی چمران و بچه‌های جنگ‌های نامنظم داشت، ایشان تعریف کردند که وقتی شش ساله بوده‌اند، تمام روزهای ماه رمضان که آقاچام در مسجدشاه بازار سخنرانی داشتند، دکتر چمران دست او را می‌گرفته و همراه خود به آنجا می‌برده که از سخنرانی‌های ایشان یاداشت بردارد. در دیدار نخست، دکتر چمران درباره چه

موضوعاتی صحبت کردند؟



با توجه به ذهنیتی که از قبل نسبت به دکتر داشتید، دیدار اولتان با ایشان چگونه شکل گرفت؟

دکتر به من گفت: «من پدر تان را خیلی دوست دارم، وقتی ایشان شهید شدند، من از پشت دیوارها و خرابه‌های قبرستان مسگر آباد بالا می‌رفتم و تا نیمه شب، بر سر مزار ایشان گریه می‌کردم!». همانطور که می‌دانید، قبرستان مسگر آباد پس از تدفین آقاچام و یارانش، تا مدت‌ها در محاصره نظامی بود و هیچکس اجازه ورود به آنجا را نداشت. به همین دلیل هم ایشان از محوطه پشت گورستان به آن وارد می‌شد

سارپخ

تاریخ۸۸۴۹۸۴۳۷



«یادها و یادمان‌هایی از سیره شهید دکتر مصطفی چمران

در آینه یادها و یادمان‌ها» در گفت و شنود با فاطمه نواب صفوی – بخش نخست

دکتر گفت شب‌ها بر مزار پدرت ساعت‌ها گریه می‌کردم

در مورد مظلومیت شیعه و حرکت‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی باید انجام شود و همچنین عقب افتادگی‌های تاریخی ایران. به هر حال در آن شب، خیلی به بنده احترام گذاشتند. دیگر ارتباطم با خانواده ایشان به گونه‌ای شده بود که هر موقع روز یا شب می‌خواستم به منزل خانم چمران بروم، می‌رفتم. البته یکی از مسائلی که همیشه در دلم را به وجد می‌آورد، تولیفات نظامی‌مان بود. در ستاد جنگ‌های نامنظم که بودیم، از همان اوایل، روی میز اساق دکتر چمران، مقدار زیادی موشک، خمپاره، نارنجک و جنگ افزارهای مختلف بود. دکتر را به خود می‌آورد، تولیفات نظامی‌ای ایران که خودمان ساختیم!». همانطور که می‌دانید، دکتر تحصیل کرده همین رشته بود. به همین خاطر، دائماً طرح‌هایی ارائه می‌داد و بچه‌ها می‌ساختند. مثلاً طرح ساخت اولین زیردریایی ایران که امروز نیروهای سپاه تکمیلش کردند و از بهترین زیردریایی‌هاست. دکتر، از نظر علمی بی‌نظیر بود. طوری که در ۳۰ سالگی، به ژنرال‌های ۵۰ساله امریکایی در ناسا درس می‌دادند. البته دکتر از نظر معنوی و عرفانی هم بی‌نظیر بود. در واقع انسان وقتی به مرحله‌ای برسد که تکبر، حسادت، علاقه به مال، رفاه و مقام از وجودش رخت ببیند، به آن درجه بالای انسانیتی می‌رسد و دکتر چمران چنین بود. هرگز بر تری، طلبی حسادت و عشق به جاه نداشت و این را هر کس که دوره‌ای کوتاه با وی مدخور بود، در می‌یافت.

رفتار دکتر چمران با بانوان، به ویژه بانوانی که با وی همکاری داشتند را چگونه دیدید؟

دکتر با همه بسیار محترم رفتار می‌کرد. کنش و واکنش‌های او، همیشه با احترام، ادب و نزاکت همراه بود و چهره‌ای داشت که هیچ وقت خشن بر اعبصانی نبود. چهره دوست داشتنی و با محبت. دکتر، برای همه بود. در ستاد جنگ‌های نامنظم، دختران پرستار زیادی حضور داشتند. برخورد دکتر با خانم‌ها، بسیار انسانی و با ادب بود. دکتر به خانم‌ها هم مانند دیگران، به عنوان یک انسان نگاه می‌کرد. اصلاً نگاه جنسیتی به زنان نداشتند و در عین حال، احترام بسیار زیادی برای آنان قائل می‌شدند. مثلاً وقتی جنگ شروع شد، با آنکه لبنان بودم و راه‌ها بسته شده بود، سریعاً و با اتوبوس به اهواز رفتم و به دکتر گفتم: آدمم که مثل سرباز در جنگ باشم. ایشان هم چون روحیاتم را می‌شناخت و می‌دانست آدمی رزمی بوده‌ام و اهل ترس نیستم، به بچه‌ها گفتم: وسایل برایم بیاورند، یک اسلحه کلاشینکف، فانوسقه، سرنیزه و قمقمه. اصلاً نگاه دکتر این نبود که خانم‌ها نمی‌توانند در جنگ حضور داشته باشند. حتی یک اکیب هم در اختیارم گذاشتند که با آن اکیب برای نقطه زنی می‌رفتم. در آن دوران عراقی‌ها در جنگ کلاسیک، بهترین امکانات را داشتند. اما چون ما وسایل چندانی برای نبرد نداشتیم، در مقابل جنگ کلاسیک آنها، همراه با یک آری‌چی زن و دو سه نفر که کلاشینکف داشتند، نزدیک عراقی‌ها می‌رفتم و یک خمپاره ۶۰ و نه‌لشتی ۱۲۰ را می‌زدیم! برای آنکه آنها بداندن ما هستیم و بعد هم فرار می‌کردیم!

دد

در دفتر دکتر چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم، همیشه روی میز ایشان مقدار زیادی موشک، خمپاره، نارنجک و جنگ افزارهای دیگر بود. دکتر می‌گفت: «همه اینها را ما خودمان ساختیم»! همانطور که می‌دانید، دکتر تحصیل کرده همین رشته بود. به همین خاطر، دائماً طرح‌هایی می‌کرد و بچه‌ها می‌ساختند. مانند ساخت اولین زیردریایی ایران که امروزه نیروهای سپاه تکمیلش کردند و از بهترین زیردریایی‌هاست

فرزندانشان جدا شدند و در لبنان ماندند؟

چون عراقی‌ها در مقابل طوری تیراندازی می‌کردند که زمین شخم می‌خورد! یعنی اگر ما یک گلوله می‌انداختیم، عراقی‌ها ۱۰۰ گلوله می‌زدند. البته خانم‌های دیگری هم در گروه امداد بودند که همراه بچه‌ها به خط می‌آمدند. اما آنها دوست نداشتند که اسلحه به دست بگیرند. مثلاً دکتر، هیچوقت همسرشان را با خود به خط نمی‌بردند. ممکن بود خانم چمران همراه با عده‌ای برای بازدید از جایی برود، ولی در خط و همراه دکتر، نه. شاید هم خود خانم چمران دوست نداشت، نمی‌دانم. اتفاقاً یک روز دکتر در دزفول، با سهران کشور جلسه داشت. از آنجایی که بین اهواز و دزفول، عراقی‌ها دائماً توپ می‌زدند و آن روز محافظی نبود که همراه دکتر برود، یکدفعه دکتر گفت: «خانم نواب هست، اسلحه هم دارد، خودم هم که یک اسلحه دارم، عسگری (سربازی) که راننده دکتر بود، البته این فرد غیر از آن عسگری در جریان فتح سوسنگرد حضور داشت) هم که اسلحه دار». چون می‌بایست حداقل دو نفر محافظ، همراه دکتر می‌بود. آن روز، من محافظ دکتر شدم. عسگری همچنان پایش را روی گاز می‌گذاشت و سرعت می‌گرفت که دکتر دائم می‌گفت: «عزیز یواش تر. عزیز یواش تر!» کلمه عزیز، همیشه در گفتار دکتر بود.

رفتار دکتر چمران با کودکان و نوابگان را چگونه دیدید؟

آن زمان در گوشه‌ای از محوطه نخست وزیری، ساختمان دو طبقه بود که در طبقه بالا ابوالحسن بنی‌صدر و وزیر زمین آن، دکتر چمران ساکن بودند. البته قبل‌تر، مهندس بازرگان در طبقه بالای این ساختمان ساکن بود. بنی‌صدر پسر کوچکی داشت که هم سن دکتر بود. در ستاد جنگ‌های نامنظم که بودیم، از همان اوایل، روی میز اساق دکتر چمران، مقدار زیادی موشک، خمپاره، نارنجک و جنگ افزارهای مختلف بود. دکتر را به خود می‌آورد، تولیفات نظامی‌ای ایران که خودمان ساختیم!». همانطور که می‌دانید، دکتر تحصیل کرده همین رشته بود. به همین خاطر، دائماً طرح‌هایی ارائه می‌داد و بچه‌ها می‌ساختند. مثلاً طرح ساخت اولین زیردریایی ایران که امروز نیروهای سپاه تکمیلش کردند و از بهترین زیردریایی‌هاست. دکتر، از نظر علمی بی‌نظیر بود. طوری که در ۳۰ سالگی، به ژنرال‌های ۵۰ساله امریکایی در ناسا درس می‌دادند. البته دکتر از نظر معنوی و عرفانی هم بی‌نظیر بود. در واقع انسان وقتی به مرحله‌ای برسد که تکبر، حسادت، علاقه به مال، رفاه و مقام از وجودش رخت ببیند، به آن درجه بالای انسانیتی می‌رسد و دکتر چمران چنین بود. هرگز بر تری، طلبی حسادت و عشق به جاه نداشت و این را هر کس که دوره‌ای کوتاه با وی مدخور بود، در می‌یافت.

شما پس از آشنایی نزدیک با دکتر چمران، از بسیاری از چالش‌های پیشین زندگی وی آگاه شدید. ایشان از چه روی، زندگی راحت و بی‌دغدغه خود در امریکا را رها کرد و برای کمک به شیعیان جنوب لبنان، به این منطقه رفت؟

وقتی امام موسی صدر در لبنان حرکت المحرمین را تأسیس کردند، دکتر چمران با شنیدن این خبر، همراه با خانواده از امریکا به لبنان هجرت کرد و با توجه به فعالیت‌هایش، نهایتاً معاون امام می‌شود. دکتر قبلاً در مصر، دوره‌های نظامی دیده بود. ایشان علاوه بر آن اهل ورزش‌های رزمی بود، در امریکا اختراعات علمی هم داشت و کمک کرد، تا یکی از هم دانشگاهیانش برنده جایزه نوبل شود. یک شخصیت بسیار والا از نظر علمی، فرهنگی، نظامی و ادبی. ایشان وقتی وارد لبنان می‌شود، می‌بیند که تمام جوانان شیعه جذب احزاب مختلف شدند. اوایل انقلاب که احزاب لبنان را بررسی می‌کردم، نهایتاً دیدم که حدود ۲۰۰ حزب متفاوت مسلح، در لبنان وجود داشته است. تصور کردیم که حدود ۱۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد، ۲۰۰ حزب مسلح هم داشته باشد! جالب است برایم عجیب بود که وقتی برای انجام مصاحبه با دکتر قاسملو به لبنان می‌رفتم، متوجه شدم که بعضی احزاب فلسطینی گرفته‌ایم! بعداً هم که به لبنان رفتم، دیدم که در یکی از دهات آنجا، شاخه‌ای از حزب دموکرات کردستان حضور دارد! حال شما فکر کنید که چه ارتباط عجیبی میان آنها وجود داشت. در چنین شرایطی دکتر حسی می‌کند که عرق وطن پرستی و شهادتی که میان این جوانان شیعه وجود دارد، موجب شده که آنها به احزاب مختلف بپیوندند. از طرفی وقتی که به کشته می‌شدند، به آنها لقب شهید نمی‌دادند، بلکه

جوان

۹

روزنامه جوان | شماره ۶۷۷۹

به عنوان فردی که در فلان حزب کمونیست کشته شده، محسوب می‌شدند! لذا دکتر به امام موسی صدر می‌گوید: ما باید حرکت امل را، به عنوان بازوی نظامی حرکت المحرمین تأسیس کنیم. با تأسیس حرکت امل، دکتر جمعی از بهترین و مؤمن‌ترین بچه‌های داوطلب انتخاب کرده و در شمال شرقی لبنان، محلی را برای آموزش نظامی آنها ایجاد می‌کند، محلی که نزدیک به بعلبک است. بعضی از رهبران نظامی فلسطینی، این جوانان را تعلیم نظامی می‌دادند. علاوه بر آن دکتر چمران در جنوب لبنان، مؤسسه‌ای به نام جبل عامل برای تربیت نیرو در رشته‌های فنی و مهندسی تأسیس کرد که ۶۰۰ نفر دانش‌آموز داشت. آنها از یتیمان جنوب لبنان بودند که بعضاً به مدارج بالای علمی رسیدند.

با توجه به لطافت روحیه دکتر چمران، ایشان چگونه از همسر اول و فرزندان‌شان جدا شدند و در لبنان ماندند؟

همانطور که گفتم، همه وجود دکتر عشق بود. وقتی انسان به حد بالایی از معنویت برسد، با دنبال هدف بسیار والاتری باشد، این مسائل در نظرش بسیار کوچک می‌شود. آقاچان من هم در مسیری قدم گذاشتند که نهایتاً شهید شدند. مادرم بعضی وقت‌ها که از دست ما بچه‌ها صدمه خورده و ناراحت می‌شدند، هم می‌گفتند: «نواب بچه‌هایش را گذاشت برای من و رفت!». من هم وقتی جبهه بودم، گاهی با خودم می‌گفتم: خدایا اگر کشته شوم، سرنوشته بچه‌ام چه می‌شود؟ بعد به خود می‌گفتم: مثل هزاران نفر که پدر و مادر ندارند، خدا بزرگش می‌کند! در حالی که یک دختر داشتم که پدرش هم شهید شده بود. می‌خواهم بگویم انسان حالتی پیدا می‌کند که انگار عشق خیلی بزرگ‌تری را می‌بیند که این عشق و محبت دنیایی نسبت به آن خیلی کوچک‌تر است. درست است که همه این عشق‌ها به بالا منتقل می‌شود، ولی وقتی آن عشق بسیار بزرگ انسان را جذب می‌کند، به مراتب پایین‌تر بی‌اعتنا می‌شود. انسان تا وقتی در آن مرحله نباشد، نمی‌تواند بفهمد آن عشق یعنی چه؟ و چطور انسان را ذوب می‌کند. یادم است یکبار دکتر می‌خندید و می‌گفت: «هاه رمضان بود و می‌خواستیم افطار کنیم، دیدم نان در خانه نداریم، گفتم بروند به در منزل همسایه و بپرسند آنها نان دارند، رفتند آنها هم گفتند که ما هم نان نداریم. حال بچه‌های من از وقتی که فهمیدند من وزیر شده‌ام، می‌گویند بابا ما می‌خواهیم به ایران بیاییم. اینها فکر می‌کنند که وزیر شدن در ایران، مثل وزیر شدن در امریکاست. نمی‌دانند که زندگی ما با مستضعفین یکرنگ است و هیچ فرقی با هم نداریم. آنها فکر می‌کنند که اگر به اینجا بیایند، بسست و مقام و زندگی شاهانه‌ای در انتظارشان است!». البته در نظر داشته باشید، وقتی دکتر همسر فرزندانش را برای زندگی به لبنان می‌برد، واقعاً ادامه آن مدل زندگی برای آنان بسیار سخت بوده است. شرایط زندگی در جنوب لبنان، با شرایط زندگی در بیروت هم تفاوت دارد. در جنوب لبنان، مردم در فقر و محرومیت بودند. با این همه بعضی اوقات که جیل عامل می‌آوردند، همسر دکتر به آنها محبت و رسیدگی می‌کرد، ولی واقعاً با وجود چهار بچه در تنگنا و سختی بود. با این حال همسر دکتر، یکسال در مؤسسه جبل عامل می‌ماند، ولی دیگر تحمل آن سبک از زندگی برایش سخت می‌شود. از طرفی در آن دوران، برای آنها خطر هم وجود داشت. دکتر شخصیت معرفی شده بود و امکان داشت احزاب مخالف، به خانواده‌اش صدمه بزنند. بنابر این فعالیت‌شان محدود بود و نمی‌توانستند مثل یک شهروند عادی رفت و آمد کنند. تمام مدت هم جنگ و بیماریان بود و ساختمان مؤسسه، هدف گلوله راز می‌گرفت. دکتر می‌گفت: «وقتی که همسر اولم رفت و طلاق گرفتم، باز هم دلش می‌خواست با من برگردد، ولی دیگر تیار شده بود. به او گفتم تو یک زندگی دیگر را انتخاب کرده‌ای». منتهی همسر دوم دکتر، تا آخرین لحظه همراه با ایشان بود. به خاطر دارم که در کردستان، وقتی برای اولین بار خانم چمران را دیدم، هیچکس همراهش نبود! چون فارسی نمی‌دانست و کسی نبود که با او حرف بزند. من با زبان انگلیسی، با ایشان صحبت کردم.

شهید چمران در مدت اقامت در لبنان، با کشتنگی فرزندانش چگونه کنار می‌آمد؟

دکتر همراه با یک عشق خاصی، از فرزندش جمال صحبت می‌کرد. جمال، کوچک‌ترین فرزند دکتر بود و قبل از آنکه از امریکا به لبنان بروند، دو ساله بوده است. دکتر تعریف می‌کرد: «وقتی با امام موسی صدر قدم می‌زدیم، جمال جلوتر از ما راه می‌افتاد. بعد همچون امام موسی که دستش را به پشت می‌گرفت، او هم دستش را به پشت می‌زد. امام موسی صدر هم خیلی دوستش داشت. مردم که می‌آمدند دست امام موسی را ببوسند، او هم دستش را برای بوسیدن دراز می‌کرد! وقتی خانواده‌ام به امریکا رفتم، دو روز بعد همسر م تماس گرفت. قبل از اینکه چیزی بگوید، گفتم: «جمال مرد؟!». متأسفانه این بچه در استخر می‌افتد و خفه می‌شود. دکتر می‌گفت: «سه شبانه روز از غم این بچه، بیهوش بودم!». منتهی با وجود تمام باراشتی و غمی که مرگ جمال داشت، چون دکتر هدف بالایی را دنبال می‌کرد، نمی‌توانست از آن دست بکشد.

«شکاف در طالبان» واقعیتهی که بزرگ‌نمایی می‌شود!



■ دبیح‌الله کابلی

افغانستان در طول دو هفته گذشته شاهد تحولات امنیتی جدیدی بود که نگرانی بسیاری از طرف‌ها به خصوص اپوزیسیون طالبان را برانگیخته و با تمام تان، به خصوص با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی به دنبال پیگیری این تحولات و تحلیل آن هستند. این تحولات امنیتی حول سه محور می‌چرخد؛ اول اینکه افشاگری وزیر عادی پاکستان و همچنین خانواده‌های شبه‌نظامیان پاکستانی و برخی نیروهای آنها می‌شود.

هر چند سخنگوی طالبان و همچنین وزیر کشور پاکستان مستقر در نوار مرزی دو کشور به مناطق دوردست سخن می‌گوید، اما وزیر کشور پاکستان از این مهاجران به عنوان نیروهای تحرک طالبان پاکستان یاد کرده است. این مهاجران در واقع شامل شهروندان عادی پاکستان و همچنین خانواده‌های شبه‌نظامیان پاکستانی و برخی نیروهای آنها می‌شود.

هر چند سخنگوی طالبان و همچنین وزیر کشور پاکستان دقیق‌نگفته که این مهاجران به کدام ولایات و مناطق منتقل خواهند شد، اما مخالفان طالبان می‌گویند که هم‌زمان با پیشبرد احداث کانال بزرگ آبی «قوش‌تپه» هفته‌ای سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت کشور طالبان به ولایات شمال و شمال غربی افغانستان منتقل می‌شوند. رنا ثالله در گفت‌وگو با بخش اردوی صدای آمریکا، هدف این پیشنهاد را جلوگیری از دسترسی ولایات مرزی ساکن شده‌اند، به مناطق دیگر افغانستان منتقل کند، زیرا گمان می‌رود افزایش حوادث تروریستی در پاکستان با این پناهجویان ربط دارد.

دبیح‌الله مجاهد، سخنگوی حکومت طالبان، ۱۴ خرداد گفت که این مهاجران در حال حاضر در ولایت خوست، کنر و برخی ولایات دیگر هم‌مرز با پاکستان، مستقر هستند. وی بدون اینکه به موارد این طرح جزئیات بیشتری بدهد، گفت که بر اساس برنامه، این مهاجران به سایر ولایات افغانستان منتقل خواهند شد تا اطمینان حاصل شود به خطوط مرزی دسترسی ندارند و در حملات داخل پاکستان دخیل نیستند. در این مورد، عبدالکبیر، سرپرست و معاون سیاسی نخست‌وزیر طالبان نیز چهارم خرداد در نشست رسمی در کابل، بدون نام بردن از کشور و گروهی، گفته بود که رهبر طالبان به‌وی دستور داده است، اتباعی که با کشورهایشان مشکل دارند، باید از مرزهای افغانستان با این کشورها عقب کشیده شوند.

پاکستان به دنبال افزایش حملات تروریستی و ناامنی‌ها در این کشور ادعا دارد که نیروهای تحرک طالبان پاکستان (TTP) از داخل خاک افغانستان دست به برنامه‌ریزی و اجرای چنین عملاتی می‌زنند و فشارهای زیادی بر حکومت طالبان در افغانستان وارد کرده‌اند که جلوی این تحرکات گرفته شود. در گذشته تلاش‌های طالبان افغانستان برای میانجیگری بین طالبان پاکستان و دولت این کشور و تداوم آتش‌بس با شکست مواجه شده و به نتیجه نرسیده بود. حالا هم

بدخشان و راننده‌اش در حالی که عازم محل کار بود، در حمله‌ای انتحاری با خودروی حامل مواد منفجره در مرکز این ولایت کشته شدند و گروه داعش مسئولیت آن را به عهده گرفت. دو روز بعد، مراسم فاتحه معاون والی طالبان در مسجد نبوی شهر فیض‌آباد مرکز ولایت بدخشان نیز هدف یک انفجار قرار گرفت که در نتیجه آن، ۱۵ تن کشته و ۲۳ تن دیگر زخمی شدند. به دنبال انفجار دوم، تأیید شد که مولوی صفی‌الله میمیه بغلی، فرمانده سابق پلیس طالبان در ولایت بغلان، حاجی اکبر خان از مقام‌های محلی طالبان و ضی‌الحق ابوذر از اعضای حزب جمعیت اسلامی افغانستان کشته شدند. همچنین فیض‌الله اماج، فرمانده محلی طالبان، بصیر خان خالد، عضو حزب جمعیت اسلامی و مولوی جمیل، رئیس محاکم طالبان در جمع زخمی‌های رویداد هستند. مسئولیت این انفجار را نیز داعش به عهده گرفت.

در هر دو انفجار، مقام‌های محلی طالبان که کشته شدند، اماالتا اهل بدخشان و تاجیک بودند، به همین دلیل، به دنبال این دو انفجار، برخی از منابع و همچنین چهاردهی بدخشانی مخالف طالبان، آن را ناشی از اختلافات درون گروهی طالبان، بین طالبان محلی از ولایت بدخشان و طالبان پشتون که از ولایات جنوبی به بدخشان آمده‌اند، خواندند، از جمله صلاح الدین ربانی، رئیس بدخشان است، گفت: «حوادث اخیر در ولایت بدخشان که هدفمندانه و فراقطنه به داعش نسبت داده می‌شوند، ادامه خصومت‌های درون گروهی طالبان برای حفظ قدرت است.» «جهه مقاومت» به رهبری احمد مسعود نیز ادعای مشابهی دارد. در نهایت، این تحولات بدخشان چنین از سوی مخالفان طالبان جمع بندی شد که مقام‌های طالبانی که در بدخشان کشته شده‌اند، مخالف انتقال افراد و خانواده‌های تحرک طالبان پاکستان به شمال افغانستان و بدخشان بوده و در گذشته از اعضای جمعیت اسلامی بوده‌اند. این انفجارها، پاکسازی مخالفان تی‌تی‌پی و پاکسازی مخالفان سنارویی «وزیرستان شمالی ساختن» در افغانستان است.

■ **سفر سراج‌الدین حقانی به ولایات شمالی**
در محور سوم، اپوزیسیون طالبان سفر یک

هم‌زمان با پیشبرد احداث کانال بزرگ آبی «قوش‌تپه» در ولایات شمالی افغانستان که آب رودخانه بزرگ آمو را به دشت‌های خشک و بی‌آب و علف این ولایات منتقل می‌کند، گفته می‌شود طالبان تصمیم دارند مهاجران پاکستانی را در دو سوی این کانال بزرگ ساکن کنند که سبب نارضایتی‌ها و نگرانی‌هایی شده است

هفته‌ای سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت کشور طالبان به شمال و شمال غرب افغانستان و بازدید از ولایت‌هایی را که مسیر کانال بزرگ آبی قوش‌تپه از آنجا می‌گذرد، به مسئله انتقال نیروهای تحرک طالبان پاکستان و هماهنگ‌سازی و زمینه‌سازی برای این انتقال ربط دادند و آن را هم‌زمان با تحولات ولایت بدخشان مرتبط دانستند. سراج‌الدین حقانی در طول یک هفته از ولایات بلخ، جوزجان و فاریاب بازدید کرد و دیدارهای متعددی داشت. برخی کارشناسان مخالف طالبان پیش‌بینی می‌کنند که پس از ولایت بدخشان، در سایر ولایات شمالی فرماندهان محلی طالبان از اقوام غیر پشتون نیز که با انتقال و جابه‌جایی مهاجران پاکستانی در این مناطق مشکل داشته باشند، از سر راه برداشته خواهند شد.

■ **بررسی روایت‌ها و تحلیل‌ها از ۳ محور**
به توجّه به این سه محور، تقریباً تحلیل و روایت مخالفان سیاسی و نظامی طالبان از پاکستانی در این مناطق مشکل داشته باشند، از سر راه برداشته خواهند شد.

۱- اختلافات بین رده‌های مختلف طالبان، به خصوص اختلافات بین طالبان پشتون و غیر پشتون یک امر ثابت‌شده و واقعیت میدانی حکومت طالبان است. این اختلافات از سطح رهبری و مقام‌های ارشد کابینه طالبان از قوم پشتون شروع شده تا سطح پایین‌تر، بین فرماندهان طالبان پشتون و

غیر پشتون (تاجیک و ازبک) به خصوص در ولایات شمالی و پنجشیر دامنه دارد. طالبان پشتون به دلیل ترس و نگرانی‌هایی که از قدرت‌گیری طالبان غیر پشتون دارند، همواره به دنبال تضعیف آنها بوده‌اند. این تضعیف شامل سیاست تبعید و حذف نیز می‌شود. تحولات اخیر ولایت بدخشان نیز قطعاً سبب افزایش فاصله بین طالبان غیر پشتون و فرماندهان ارشد و نارضایتی طالبان از قوم ازبک از شمال به جنوب افغانستان بودیم.

۲- به دنبال آغاز به کار ساخت کانال بزرگ آبی قوش‌تپه در شمال غرب افغانستان که سرزمین‌های خشک و بی‌آب و علف ولایات بلخ، جوزجان و فاریاب را به زمین‌های حاصلخیز تبدیل و تمدن جدیدی را خلق خواهد کرد، این نگرانی همواره مطرح بود که چه کسانی در اطراف بستر این کانال بزرگ آبی جابه‌جا و مستقر خواهند شد؟ مردم بومی یا غریبومی؟ تحلیل‌ها امکان استقرار سه دسته از ساکنان غریبومی را در اطراف این کانال مطرح می‌کند:

۱- با توجه به روند خشکسالی که به خصوص در جنوب و غرب افغانستان در سال‌های اخیر دنبال شده، آوارگان پشتون آسیب‌دیده از این خشکسالی‌ها

۲- طالبان پشتونی که سال‌های سال برای طالبان جنگیده‌اند و خانواده کشته و زخمی شده‌های آنها

۳- طیف سوم، مهاجران پاکستانی که ممکن است نیروها یا خانواده‌های تحرک طالبان پاکستان هم در میان آنها باشد و همچنین سایر شبه‌نظامیان وابسته به کشورهای آسیای مرکزی که زیر چتر امنیتی طالبان در افغانستان حضور دارند، هر چند همان‌طور که در قبل مطرح شد، اما و اگر‌های قابل توجهی در مورد انتقال نیروهای تحرک طالبان پاکستان، به دلیل اهدافی که در عمق خاک این کشور دنبال می‌کنند، به شمال افغانستان وجود دارد و عملی شدن این پروژه را حتی در صورت طرح‌ریزی آن، با تردید مواجه می‌کنند، اما به هر حال، این تحلیل‌ها و برخی شواهد و تحرکات طالبان سبب نگرانی مردم بومی شمال افغانستان، به خصوص تاجیک‌ها، ازبک‌ها و همچنین شیعیان شده است و به همین خاطر، باید به نگرانی‌های مطرح‌شده حد داد و آن را مد نظر گرفت.

۳- اما ارتباط بین بخش اول و دوم و پهرمردم‌راری از آن، زیاد قابل قبول نیست. از یک طرف، ولایات بدخشان و تخار در شمال شرق افغانستان قرار دارند و کانال قوش‌تپه در شمال غرب، هر چند می‌توان تحولات بدخشان را به اختلافات داخلی طالبان ربط داد، اما قطعاً این اختلافات به انتقال و جابه‌جایی مهاجران با طالبان پاکستانی در مسیر کانال قوش‌تپه و ابعاد سفر سراج‌الدین حقانی به ولایات شمال غربی ربطی پیدا نمی‌کند؛ به همین خاطر، به نظر می‌رسد اپوزیسیون سیاسی و نظامی طالبان در طول دو هفته گذشته به یک‌دگر چه چیدن این تکه‌های نامربوط و بزرگمایی آن، یک خط جنگ روانی و تبلیغاتی را دنبال کردند تا افکار عمومی و احساسات ساکنان ولایات شمالی را بیش از پیش علیه طالبان تحریک کنند و بتوانند در این میان، سربازگیری کرده، مجال بیشتری برای فعالیت علیه این گروه به دست بیاورند.

جهه به اصطلاح «مقاومت» چه حول محور احمد مسعود و چه سایر شخصیت‌های سیاسی مخالف طالبان در طول دو سال گذشته، نتوانستند به توفیقی در برابر حکومت طالبان دست پیدا کنند و «جریان مقاومت» را همانند دهه ۷۰ خورشیدی به راه بیندازند، حتی در ولایت پنجشیر و به دنبال بغلان، بدخشان و تخار که به نوعی خاستگاه مقاومت در دهه ۷۰ علیه طالبان به شمار می‌رفت. عموم مردم و علما از حرکت‌های مخالف طالبان استقبال و حمایت نکردند، به همین خاطر برخی نیروها و فرماندهان مخالف طالبان که در ابتدا در مناطق صعب‌العبور کوهستانی توار می‌بودند، کم‌کم در نتیجه عملیات‌های ویژه طالبان تار و مار شده و جان خود را از دست دادند، اما جدای از این سوءاستفاده روانی و تبلیغاتی جریان‌های مخالف طالبان از تحولات شمال به نفع خود، نوع سیاست‌ها و رویکردهای ضدونقیضی رهبران طالبان در شمال افغانستان و روند جابه‌جاسازی آوارگان و مهاجران غریبومی در این مناطق، به خصوص اطراف کانال بزرگ آبی قوش‌تپه روزبه‌روز بار دامنه نارضایتی‌های داخلی و درون گروهی طالبان و همچنین مردم شمال خواهد افزود و این می‌تواند پاشنه آشیل برای حکومت طالبان در آینده در صورت عدم ته وجود آمدن یک حکومت فراگیر و تداوم وضعیت کنونی باشد.

■ دکتر سیدرضا میر طاهر

روزنامه فایننشال تایمز اواسط خرداد ۲۰۲۲ (ژوئن ۲۰۲۲) از سفر مخفیانه ویلیام برنز، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سسیا) به چین در ماه گذشته خبر داد و نوشت که سفر معتمدترین مقام دولت جو بایدن، شدت نگرانی کاخ سفید از وخامت روابط بین واشنگتن و پکن را نشان می‌دهد. این دیدار هم‌زمان با تلاش‌های واشنگتن برای تعامل با پکن در سطح مقامات ارشد با هدف تلاش برای ایجاد ثبات در روابط دو کشور انجام شده است. کاخ سفید در تلاش است تعامل با چین را پس از یک دوره پر تنش که در فوریه ۲۰۲۳ با پرواز یک بالن جاسوسی چینی بر فراز آمریکای شمالی آغاز شد از سر بگیرد. بحران بالن جاسوسی تلاش‌ها برای برقراری روابط دو کشور را که بایدن و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین طی دیدار در شهر یالی در نوامبر ۲۰۲۲ درباره آن توافق کرده بودند، از مسیر خارج کرد. بایدن ماه گذشته گفته بود انتظار دارد روابط دو کشور در آینده نزدیک گرم‌تر شود اما از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرد. سفر برنز به چین قبل از اظهارات بایدن در نشست سران گروه ۷۰ هیروشیما انجام شده است.

چین در واکنش به اقدامات خصمانه امریکا علیه این کشور که به انجای مختلف از جمله حمایت گسترده از تایوان، اعمال انواع محدودیت‌ها و تحریم علیه مقامات و شرکت‌های چینی، ممنوع کردن خرید مصنوعات و کالاهای این کشور به ویژه در بخش الکترونیک و نیز ممنوع ساختن شبکه اجتماعی تیک‌تاک صورت می‌گیرد، در ماه‌های اخیر بی‌میلی خود به دیدار مقامات ارشد دو کشور را آشکارا ابراز کرده است. فایننشال تایمز در این زمینه نوشت: امریکا در تلاش برای احیای سفر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه‌اش به چین است که به‌طور ناگهانی به دلیل حادثه بالن لغو شد. اما پکن تاکنون از دادن چراغ سبز به آن خودداری کرده است. لی شاک‌فو، وزیر دفاع چین نیز به تازگی از دیدار با لوید آستین، همتای امریکایی خود در سنگاپور سر باز زد، زیرا واشنگتن از لغو تحریم‌ها علیه

تأییدکننده روند تنش و تخاصم رو به تزاید در روابط بین واشنگتن و پکن است که به ویژه به دلیل رویکرد و اقدامات ایالات متحده علیه چین به وجود آمده است. این مسئله امری نیست که از چشم کیسینجر دوره مانده باشد. او پیش از این نسبت به خطر بروز منازعه میان چین و امریکا هشدار داده بود. به باور او، این منازعه می‌تواند به «بزرگ‌ترین چالش فراروی بشریت» تبدیل شود. وزیر خارجه پیشین امریکا با تأکید بر اینکه دو کشور از قدرت نابود کردن جهان برخوردارند، تأکید کرد هر گونه درگیری میان آنها، وضعیت جهان را به سمت اوضاعی بدتر از دوران پساجنگ جهانی اول سوق خواهد داد. «وانگ یی» وزیر امور خارجه چین پیش‌تر هشدار داده بود که آغاز «جنگ سرد جدید» میان کشورش و امریکا، فاجعه‌ای برای کل جهان خواهد بود. مواضع کنونی کیسینجر در حالی بیان می‌شود که تنش میان واشنگتن و پکن به ویژه بر سر جزیره تایوان، پرونده جاسوسی از طریق بالن، ایلپیکشن «تیک تاک» در کنار نگرانی امریکا از همگرایی چین و روسیه روندی فزاینده به خود گرفته است.

■ تصویرسازی

امریکا مدت‌هاست در اسناد بالادستی خود چین را به عنوان مهم‌ترین تهدید علیه خود و نیز جهان غرب شناسایی کرده است و بر لزوم مقابله با بلند پروازی‌های پکن تأکید می‌ورزد. «لوید آستین» در جریان رونمایی از استراتژی دفاع ملی در پنتاگون در اواخر اکتبر ۲۰۲۲ گفت که به رغم حمله روسیه به اوکراین، چین همچنان بزرگ‌ترین تهدید علیه ایالات متحده است. در استراتژی جدید دفاع ملی امریکا آمده است که چین در تلاش است منطقه ایندوپاسیفیک و نظام بین‌الملل را مطابق منافع و ترجیحات اقتدار گرایانه خود تغییر دهد. در متن این استراتژی آنچه فعالیت‌های خصمانه چین نسبت به تایوان خوانده شده، بی‌ثبات‌کننده و چالشی برای صلح در منطقه توصیف گردیده است. مقامات ارشد نظامی و امنیتی دولت بایدن بارها چین را مهم‌ترین چالش ژئوپلیتیکی امریکا اعلام کرده و مدعی قصد آن برای تغییر



نظام بین‌المللی مبتنی بر نظم لیبرال شده‌اند. این تصویرسازی مبتنی بر چین‌هراسی با توجه به رویارویی رو به رشد ایالات متحده و چین در عرصه منطقه‌ای و جهانی قابل تبیین است. اکنون نیز به رغم ادعاهای مقامات دولت بایدن درباره رقابت برابر با چین و تنش‌زدایی در روابط دو جانبه و اقدامات در این زمینه از جمله سفر مخفیانه برنز به پکن، آنچه از خلال مواضع اقدامات امریکا در قبال چین از زمان روی کار آمدن بایدن می‌توان دریافت، تلاش واشنگتن برای تقابل همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و امنیتی، سیاسی و سایبری با پکن و مقابله با ادعاهای در یایی آن است. در واقع واشنگتن از این مسئله در هراس است که چین به همراه روسیه، نظم بین‌المللی لیبرال را که جهان بر مبنای آن است، به چالش بکشند و اقتدار چندقرنی غرب بر نظام بین‌المللی را خدشه دار سازند از دیدگاه ایالات متحده که همواره رویکرد یک‌جانبه‌گرایی را در عرصه جهانی دنبال کرده و به دنبال منافع خود است، این امر قابل قبول نیست، لذا تلاش می‌کند بازیگران جدید جهانی به ویژه چین را تا آنجا که توان دارد محدود و تضعیف کند، با این حال بررسی روندهای جهانی نشانگر افزایش ملموس توان چین به عنوان قدرتی شرقی و روسیه به مثابه قدرتی اراسیایی و افول فزاینده امریکاست. روسیه و چین به عنوان دو قدرت بین‌المللی مهم در سال‌های اخیر گام‌های مهمی برای گسترش همکاری‌ها و نیز تقویت بین‌المللی و واقعیات نظام جهانی مؤید بین‌المللی جدید هستند. مسکو و پکن معتقدند تحولات بین‌المللی و واقعیات نظام جهانی مؤید این دو قدرت بزرگ اقتصادی اکنون به دو کربد متخاصم تبدیل شده‌اند و نباید منتظر ماند که چین به سمت غرب چرخش کند. هشدار کیسینجر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سیاستمداران و استراتژیست‌های امریکایی درباره وقوع جنگ سرد جدید بین امریکا و چین،

به رغم ادعاهای مقامات دولت بایدن درباره رقابت برابر با چین و تنش‌زدایی، آنچه از خلال مواضع اقدامات امریکا در قبال چین می‌توان دریافت، تلاش برای تقابل همه‌جانبه در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و امنیتی، سیاسی و سایبری با پکن و مقابله با ادعاهای در یایی آن است

وی خودداری کرده است. آستین در واکنش به این مسئله ادعا کرد: «گفت‌وگو بین امریکا و چین ضروری است و به جلوگیری از اشتباهاتی می‌تواند منجر به درگیری شود، کمک خواهد کرد.»

■ هشدار کیسینجر

تشدید تنش‌ها میان امریکا و چین موجب هشدارهای جدی شده است. هنری کیسینجر» وزیر امور خارجه اسبق امریکا و استراتژیست برجسته امریکایی درباره وقوع جنگ سرد دومی به مراتب خطرناک‌تر از جنگ سرد اول هشدار داد. کیسینجر اوایل فروردین ۱۴۰۲ در مصاحبه با روزنامه اسپانیایی «هوندو» از احتمال آغاز جنگ سرد جدیدی میان پکن و واشنگتن سخن گفت. به اعتقاد او هر دو کشور برخلاف دوران جنگ سرد نخست (که میان امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و متحدان آنها از اواسط دهه ۱۹۴۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در گرفت)، اکنون دارای منابع اقتصادی مشابهی هستند. وزیر خارجه اسبق امریکا تأکید کرد که این دو قدرت بزرگ اقتصادی اکنون به دو کربد متخاصم تبدیل شده‌اند و نباید منتظر ماند که چین به سمت غرب چرخش کند. هشدار کیسینجر به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سیاستمداران و استراتژیست‌های امریکایی درباره وقوع جنگ سرد جدید بین امریکا و چین،

تداوم وضعیت کنونی باشد.

«جوان» دوگانگی بانک‌ها در پرداخت تسهیلات به کارکنان خود و پرهیز از ارائه تسهیلات مسکن را واکاوی می‌کند

بی‌توجهی به حق الناس در وام‌دهی به کارکنان بانک‌ها

تخلفات بانک‌ها در ارائه تسهیلات به کارکنان خود که از جیب مردم پرداخت می‌شود

در حالی است که از ارائه تسهیلات تکلیفی به حوزه مسکن خودداری می‌کنند و ظاهراً جوابگوی کسی هم نیستند!



رشد پایه پولی در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۳۰ هزار میلیارد تومان بود که در صورت اتخاذ سیاست فعالانه از سوی بانک مرکزی می توانست صرف پروژه‌های عمرانی شود، اما تنها موجب اضافه برداشت بانک‌ها برای ارائه تسهیلات به زیرمجموعه‌ها و کارکنان خود شد و هیچ آورده جدی برای مردم نداشت. باید در سال ۱۴۰۲ برای سیاست پولی فعالانه دولت و در جهت تأمین مالی ابرپروژه‌های دولت از پایه پولی حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی استفاده کرد و با برنامه‌ریزی دقیق و با مدخله فعالانه بانک مرکزی صرف ابرپروژه‌های دولت شود، در غیر این صورت، پایه پولی از محل اضافه برداشت بانک‌ها و بدون اینکه مایه‌آزای واقعی در اقتصاد داشته باشد رشد خواهد کرد.

■ ■ ■

بانک‌ها واسطه‌های حیاتی بین پس انداز کنندگان و وام گیرندگان هستند و نقش مهمی در تخصیص منابع در اقتصاد دارند، یکی از وظایف اصلی بانک‌ها تأمین اعتبار برای مشاغل و افراد نیازمند آن است. با این حال، همه اعتبارات یکسان ایجاد نمی‌شوند و بسیار مهم است که بانک‌ها اعتبار خود را به سمت بخش مولد اقتصاد هدایت کنند.

بخش تولیدی اقتصاد متشکل از مشاغلی است که به تولید کالا و خدمات اشتغال دارند. این مشاغل با استفاده از منابعی مانند نیروی کار، سرمایه و فناوری برای تولید کالاها و خدماتی که نیازها و خواسته‌های مصرف کنندگان را برآورده می‌کنند، ارزش ایجاد می‌نمایند. بانک‌ها با هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد می‌توانند به ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی کمک کنند.

دلایل متعددی وجود دارد که چرا هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد اهمیت دارد. اول اینکه به رشد اقتصادی کمک می‌کند. زمانی که بانک‌ها به کسب و کارها در بخش تولیدی اعتبار می‌دهند، اساساً منابع مورد نیاز برای رشد و توسعه را در اختیار آنها قرار می‌دهند. این امر می‌تواند منجر به افزایش تولید، ایجاد شغل و سطوح بالاتر فعالیت اقتصادی شود که همگی به رشد اقتصادی کمک می‌کنند.

دوم اینکه هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد می‌تواند به بهبود کیفیت اعتبار کمک کند. هنگامی که بانک‌ها به مشاغل در بخش تولیدی وام می‌دهند، به مشاغلی وام می‌دهند که سابقه اثبات شده‌ای در تولید در آمد و سود دارند. احتمال بازپرداخت وام‌های خود در این کسب و کارها بیشتر است که باعث کاهش ریسک نکول و بهبود کیفیت اعتبار می‌شود.

سوم، هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد می‌تواند به کاهش نابرابری در آمد کمک کند. زمانی که کسب و کارها در بخش تولیدی قادر به رشد و گسترش باشند، شغل و برای کارکنان خود در آمد ایجاد می‌کنند. این می‌تواند به کاهش فقر و افزایش استاندارد زندگی به بسیاری از مردم در اقتصاد کمک کند.

علاوه بر هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد، پیگیری سیاست پولی جاری نیز حائز اهمیت است. سیاست پولی به اقدامات بانک مرکزی برای تأثیرگذاری بر عرضه پول و اعتبار در اقتصاد اشاره دارد. ابزار اصلی بانک‌های مرکزی برای اجرای سیاست‌های پولی، نرخ بهره است. هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد و پیگیری سیاست پولی جاری، هر دو برای ارتقای رشد اقتصادی و حفظ ثبات در اقتصاد مهم هستند. بانک‌ها با هدایت اعتبار به سمت بخش تولیدی می‌توانند به اشتغالزایی و افزایش بهره‌وری کمک کنند. سیاست پولی فعال نیز در جهت این هدایت اعتبارات به بخش‌های پیشران اقتصادی با روابط پسینی و پیشینی بالا، کمک بسزایی در تحقق رشد اقتصادی و در عین حال حفظ ثبات قیمت‌ها خواهد داشت. در ادبیات اقتصادی براساس اینکه رشد پایه پولی ناشی از سمت‌دهی با دارایی ترازنامه بانک مرکزی باشد، دو نوع رشد پایه پولی قابل تصور است و سیاست پولی قابل تعریف است.

رشد پایه پولی ناشی از بدهی (Driven Liability)، در این حالت رشد رشد پایه پولی ناشی از تقاضای بانک‌هاست. بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات جدید، پرداخت سود سیرده و تسویه بین بانکی به پایه پولی (ذخایر) نیاز دارند. در این مدل، معمولاً ابتدا بانک تسهیلات با سود سیرده را پرداخت و سپس برای تأمین نرخ ذخیره قانونی یا تسویه بین بانکی، از بانک مرکزی پایه پولی دریافت می‌کند. رشد پایه پولی ناشی از دارایی (Driven Asset)، در این حالت رشد پایه پولی ناشی از مصارف سمت دارایی

ترازنامه بانک مرکزی است. به عبارت دیگر دولت با خرج منابع حاصل از فروش نفت یا استقراض از بانک مرکزی، باعث رشد پایه پولی و تزریق ذخایر به حساب بانک‌ها نزد بانک مرکزی می‌شود و سپس بانک‌ها می‌توانند برای سایر مصارف خود از جمله پرداخت سود بانکی هم از ذخایر تأمین شده استفاده کنند. بررسی تحولات پولی ایران در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد عمده‌رشد پایه پولی در این سال ناشی از سمت‌دهی ترازنامه بانک مرکزی و به دلیل اضافه برداشت بانک‌ها بوده است. همانطور که مشاهده می‌شود با وجود کنترل رشد نقدینگی که ناشی از کنترل مقداری ترازنامه بوده، نرخ رشد پایه پولی افزایش یافته است. اگر رشد پایه پولی ناشی از استقراض دولت از بانک مرکزی و به صورت فعالانه افزایش می‌یافت باید منجر به کاهش نرخ سود بین بانکی می‌شد، اما می‌بینیم که نرخ سود بین بانکی نیز روندی صعودی دارد و از ابتدای دولت پیش از دهر، رشد افزایش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد منبع رشد پایه پولی از محل منابع ارزان استقراض شده توسط دولت نبوده بلکه این بانک‌ها بوده‌اند که به دلیل سیاست انقباضی و ناترازی‌های خود با استقراض مجبور به تأمین ذخایر شدند و از این محل پایه پولی رشد کرده است، رویکردی که حتی وزیر اقتصاد نیز نسبت به کم کاری دولت در این زمینه اذعان داشته است. احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی در همایش سیاست‌های پولی و ارز، حکمرانی و سیاستگذاری، گفته بود اگر بانک مرکزی به صورت فعالانه برای کنترل پایه پولی تدبیری اتخاذ نکند، پایه پولی به صورت منفعل از محل اضافه برداشت‌ها رشد پیدا خواهد کرد؛ اتفاقی که در سال ۱۴۰۱ رخ داد و پایه

پولی به صورت قابل توجهی افزایش یافت.

مهم‌ترین محور سیاست پولی فعالانه دولت، به کارگیری این هدایت اعتبار در جهت تحقق وعده ساخت ۴ میلیون مسکن در دولت سیزدهم است. با هدایت اعتبار به سمت ساخت مسکن به عنوان مهم‌ترین پیشران اقتصادی کشور، علاوه بر تأمین مالی ساخت مسکن به عنوان مهم‌ترین نیاز مردم با توجه به تقاضای بخش مسکن از دیگر بخش‌های اقتصاد و روابط پسینی و پیشینی فراوان این بخش، بقیه بخش‌های نیز که در حال حاضر دچار رکود شدند، وارد چرخه رونق تولیدی خواهند شد. ساخت مسکن به عنوان مهم‌ترین ابرپروژه دولت، از اهمیت فوق‌العاده‌ای در بخش عرضه و تقاضا نیز برخوردار است. تأمین مالی ساخت مسکن با هدایت اعتبارات بانکی به این سمت، تلاطم قیمتی بخش مهمی از سبد هزینه خانوار را کنترل خواهد کرد و سهم مسکن در تهران بیش از ۷۵ درصد از سبد خانوار را تشکیل می‌دهد، با عرضه زمین به شکل نامحدود و بخش مسکن، رونق بخش‌های مختلف صنعتی را نیز در بر خواهد داشت. دولت رگولاتوری دقیقی در این زمینه خواهد داشت.

از طرف دیگر، ساخت مسکن مهم‌ترین راهکار خروج از رکود فعلی اقتصاد و اشتغال آفرینی این بخش است. رونق بخش مسکن، رونق بخش‌های مختلف صنعتی را نیز در بر خواهد داشت که بسیاری از این بخش‌ها در وضعیت فعلی دچار رکود سنگین شدند. بخش‌هایی نظیر رنگ و رزین یا سیمان از جمله بخش‌هایی هستند که با توسعه و رونق ساخت مسکن، به‌چار رونق جدی خواهند شد و از این رکود فعلی‌رهایی خواهند یافت.

در زمینه سیاست فعالانه پولی نیز علاوه بر اینکه اعتبارات بانکی به جای اینکه بدون افزایش ارزش افزوده در اقتصاد به جیب دلالتان یا کارکنان بانک‌ها برود، به سمت رشد واقعی اقتصاد و در جهت کمک به دولت استفاده خواهد شد و بدین ترتیب بخشی از اصلاح نظام بانکی نیز با توسعه ابزار هدایت اعتبار به سمت مولدترین و پیشران ترین بخش اقتصادی یعنی ساخت مسکن تحقق خواهد یافت.

■ **بن‌بست تأمین مالی بانکی بزرگ ترین مانع تحقق وعده دولت**

حمید بهزادی بخش، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» درباره پیگیری سیاست فعالانه پولی در سال ۱۴۰۲ و همچنین عملکرد ۲۰ ماهه بانک‌ها در زمینه اعطای وام ساخت مسکن گفت: «یکی از مشکلات جدی اقتصاد ما در دهه گذشته رشد بدون ضابطه نقدینگی و پایه پولی در اقتصاد ایران بوده است. دهه ۹۰ زنده‌ای از عبرت و درس بوده است. چگونه نقدینگی در این دهه بیش از ۱۱ برابر شد اما نه تنها در این دهه رشد اقتصادی نکردیم، بلکه نسبت به سال ۹۰، اقتصاد ما کوچک‌تر هم شده بود. این مسئله به ما نشان داد یک دهه رشد نقدینگی و پایه پولی داشتیم اما اقتصاد ما نه تنها بزرگ نشد بلکه عکسگرد نیز داشت.»

وی ادامه داد: «باید بحث هدایت اعتبارات بانکی در جهت هدایت رشد نقدینگی به سمت تولید و همچنین سیاست فعالانه پولی در جهت هدایت رشد پایه پولی به سمت ابرپروژه‌های اقتصادی دولت را به طور جدی درک کنیم. مسکنی برای مردم ساخته خواهد شد و نه امکان رونق و پایه پولی بدون هدایت به سمت تولید، شاهد بودیم که



تغییرات در نرخ بهره در بازه دو ساله	نرخ بهره
خرداد ۱۴۰۰	۱۷/۹۵
خرداد ۱۴۰۲	۲۳/۷۵

■ **راهکارهای کاهش تلاطمات قیمتی مسکن**

به زعم کارشناسان، یکی از اصلی‌ترین راهکارهای کاهش تلاطمات قیمتی در این حوزه، ساخت مسکن جدید و عرضه بیشتر است. حال آنکه ساخت خانه‌های جدید نیازمند زمین و بودجه است. واقعیت این است که تنها نیم درصد از کل مساحت کشور به حوزه سکونتگاه و مناطق مسکونی اختصاص داده شده است. همین ایجاد محدودیت در اعطای زمین و بسته‌بودن کمربندی شهرها، تورم بی‌سابقه در حوزه مسکن را به دنبال داشته است. راهکار این است که با اجرای قانون جهش تولید مسکن و آزادسازی زمین‌ها و برداشتن حریم شهرها به سمت تأمین زمین مورد نیاز برای ساخت مسکن‌های جدید گام برداریم. به نظر می‌رسد، بهترین مدل برای اعطای زمین و ساخت مسکن در کمربندی‌های جدید شهری این است که زمین را متراژ حداقل ۲۵۰ متر در اختیار خانوارها قرار بگیرد و ساخت مسکن‌های ویلایی حیاط‌دار در دستور کار باشد.

موضوع دیگر این است که حتی با تأمین زمین، مسئله تأمین بودجه ساخت و ساز مطرح می‌شود. در این خصوص باید به هدایت اعتبارات بانکی به سمت ساخت مسکن روی بیاوریم، بنابراین لازم است تسهیل پرداخت وام ساخت مسکن در دستور کار قرار گیرد. در شرایط فعلی، وام ساخت مسکن هیچ‌گاه معوق نخواهد شد و ضمانت آن نیز خانه ساخته شده است. اینها شرایط سختی است که برای اعطای وام مسکن در نظر گرفته می‌شود. آمار و ارقام بانک مرکزی نیز به خوبی نشان از انحراف در پرداخت تسهیلات ساخت مسکن دارد. اینها مواردی است که باید اصلاح شود. نظرات علیرضا منافی را به عنوان راه‌بخش به کارشناس اقتصادی در خصوص تسهیل وام ساخت و ساز به مردم و آزادسازی زمین بر اساس مصوبات مجلس در ادامه می‌خوانید.

■ **اصلاح انحراف در پرداخت تسهیلات بانک‌ها**
علیرضا منافی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به این موضوع که باید زیرساخت‌هایی را در حوزه مسکن به وجود بیاوریم و به صورت اساسی به حل مشکل بپردازیم، گفت: «لان در حوزه مسکن با گره کوری روبه‌رو شده‌ایم که باز کر کشش سخت شده است. به همین دلیل باید به دنبال راهکارهای اساسی و عملی باشیم.» وی افزود: «تا زمانی‌که تضاد منابع در کشور وجود دارد، گشایشی در امور شاهد نخواهیم بود. اینکه تا الان زمین‌های دولتی بر اساس قانون آزادسازی نشده است، به همین موضوع برمی‌گردد. حتی امکان دارد برخی به دنبال سوءاستفاده از این قانون باشند و بخواهند آن را در بسترهای رانتی پیش ببرند. مشکل ایجادست که ما قانون خوبی در زمینه ساخت مسکن داریم و حر ف‌های خوبی هم می‌زنیم، اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد. مثلاً در حوزه آزادسازی زمین‌های دولتی قانون هم در مجلس مصوب کرده‌ایم، اما در عمل شاهد آزادسازی این زمین‌ها نیستیم و هر روز آحاد مردم با مشکلات بیشتری در حوزه مسکن روبه‌رو می‌شوند.»

منافی خاطر نشان کرد: «اعطای زمین رایگان به مردم برای خانه‌سازی می‌تواند به حل مشکل کمک کند، اما باید در زمینه هزینه‌های ساخت‌وساز هم چاراندیشی کنیم. با فرض اینکه زمین‌های دولتی آزادسازی شود و در قطعات ۲۵۰ متری در اختیار مردم قرار گیرد، مردم بودجه کافی برای ساخت ندارند.»

وی ادامه داد: «باید تسهیلات بانکی را نیز برای ساخت و ساز خانه‌ها در نظر بگیریم و وام‌های بانکی به سمت مسکن سوق داده شوند. مهم است این تسهیلات در اختیار مردم معمولی که نیاز به مسکن دارند، قرار گیرد. باید نوعی مدارا با دریافت کنندگان این وام‌ها داشته باشیم و شرایط را برایشان تسهیل کنیم.»

این کارشناس اقتصادی گفت: «لان شرایط سختی برای وام گیرندگان خرد در نظر می‌گیریم. مثلاً برای بازپس گیری وام‌های اعطایی به آنها سختگیری زیادی می‌شود و با هر گونه عقب‌افتادگی وام‌ها به سرعت برخورد قانونی صورت می‌گیرد.»

وی ادامه داد: «کسانی که با وام ساخت مسکن نیاز دارند، معمولاً توان عبور از بروکراسی اداری پیچیده در یافت وام را ندارند و نمی‌توانند از این وام بهره‌مند شوند. باید شرایطی به وجود بیاوریم که ضمن گرفتن ضمانت‌های درست، وام در اختیار افرادی که نیاز دارند، قرار گیرد. اگر می‌خواهیم گره کوری که در حوزه مسکن به وجود آمده است، برطرف شود، قطعاً باید به سمت اصلاح برخی روندها حرکت کنیم. مثلاً بانک‌ها در سال ۱۴۰۰ به کارکنان ۱۴۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کرده‌اند. باید این انحراف در پرداخت تسهیلات بانک‌ها اصلاح شود. با تصحیح این مسائل می‌توانیم به سمت اعطای تسهیلات بانکی جهت ساخت خانه و سرپناه به مردم حرکت کنیم.»

■ **جمع‌بندی**

به نظر می‌رسد دولت اراده و احتمالاً قدرت لازم برای اصلاح نظام بانکی را ندارد. هر چند رئیس دولت به صورت شفاهی از روند ارائه تسهیلات بانکی انتقاد کرده است اما جایگاه حقوقی رئیس جمهور اقتضای نمی‌کنند همانند یک شهروند عادی در تریبون رسمی انتقاد کند بلکه وظیفه‌اش اصلاح روندهاست. حال انتظار می‌رود دولت بدون رودریاستی نسبت به اصلاح روندهای بانکی اقدام کند و حتماً گام اول این اقدام نیست، حذف مسئولان درگیر «تعارض منافع» است که در پس‌وپناه راه‌روهای هزارتوی نظام اقتصادی کشور رخنه کرده‌اند و حتماً متقابلاً با آن جیب‌های بنفش زیادی را بلند خواهند کرد.»



حمید بهزادی بخش
کارشناس اقتصادی



امیر رشان منافی
کارشناس اقتصادی

با افزایش اضافه برداشت بانک‌ها، پایه پولی رشد و همچنین رشد نقدینگی نیز افزایش چشمگیری داشته است اما می‌بینیم این تسهیلات اعطای شده هیچ کدام به سمت تولید نرفته و بخش عمده‌ای از این تسهیلات صرف اعطای وام به کارکنان بانک‌ها و زیرمجموعه‌های بانک‌ها شده است و نه امکان رونق و پایه پولی بدون هدایت به سمت تولید، شاهد بودیم که

کارگران در حوزه‌های مختلف است که موجب تحول در بازار کار ایران نیز خواهد شد.

از طرف دیگر با توجه به نیاز بیش از ۱۰ میلیون مسکن دربارہ جمعیت ایران در دهه پیش‌رو و رسیدن موعد ازدواج دهه ۷۰ و ۸۰، ساخت مسکن در دهه پیش‌رو پایدار و ثابت است و به هیچ‌وجه در طرف تقاضا کمبودی وجود ندارد. از همین رو ورود و هدایت اعتبارات بانکی به بخش ساخت مسکن از اهمیت فوق‌العاده بالایی برخوردار است. تأمین مالی بانک محور ساخت مسکن به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. در روش مستقیم، بانک‌ها مستقیماً اعتبارات خود را به سازندگان مسکن اختصاص می‌دهند. در روش غیرمستقیم، بانک‌ها از طریق ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری مسکن، اعتبارات خود را به صورت غیرمستقیم به سازندگان مسکن اختصاص می‌دهند. همچنین تأمین مالی بانک محور ساخت

مسکن، می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و افزایش در آمد افراد و خانواده‌ها کمک کند. با ایجاد شغل‌های جدید در صنعت ساخت و ساز مسکن، تعداد بیکاران کاهش می‌یابد و افراد به دنبال فرصت‌های شغلی جدید می‌گردند. افزایش در آمد خانواده‌ها نیز می‌تواند به افزایش تقاضای داخلی و رشد اقتصادی منجر شود.

در کشورهایی که با مشکلات اقتصادی و همچنین رکود اقتصادی روبه‌رو هستند، هدایت اعتبار به سمت ساخت و ساز مسکن می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای بهبود و تحریک رشد اقتصادی در نظر گرفته شود. با ایجاد فضایی برای سرمایه‌گذاری در بخش مسکن، می‌توان اقتصاد را احیا و به رشد و توسعه آن کمک کرد. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که طی یک دهه اخیر، به دلیل ضعف‌های ساختاری کشور رخنه کرده‌اند و حتماً متقابلاً با آن جیب‌های بنفش زیادی را بلند خواهند کرد.»

با مشکلات فراوانی روبه‌رو شده است و بانک‌ها نیز که سهم بالایی در تأمین مالی ساخت مسکن داشته‌اند در یک دهه اخیر به سمت فعالیت‌های غیر مولد و همچنین روند بازده افتادند که سبب شده است منابع بانکی بدون ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد و صرفاً برای بازگانی در جهت کالاهای وارداتی و همچنین تقاضای سوداگران به تخصیص یابند و فرصت هدایت اعتبار به کلی از بین رود و با وجود رشد نقدینگی، اقتصاد نسبت به اصلاح روندهای بانکی اقدام کند و حتماً گام اول این اقدام نیست، حذف مسئولان درگیر «تعارض منافع» است که در پس‌وپناه راه‌روهای هزارتوی نظام اقتصادی کشور رخنه کرده‌اند و حتماً متقابلاً با آن جیب‌های بنفش زیادی را بلند خواهند کرد.»

■ **مدیر گروه انرژی اندیشکده سیاستگذاری «ماهد»**

چرایی ضرورت هدایت اعتبارات بانکی به ساخت مسکن

و بهره‌وری در بخش مسکن در نظر گرفته شود.

بخش مسکن با روابط پسینی و پیشینی متعدد در اقتصاد ایران نظیر صنعت سیمان، فولاد، محصولات شیمیایی و... و همچنین نیازمندی به خدمات حوزه تعمیرات و تجهیزات از اهمیت بسیار بالایی در جهت ایجاد رونق اقتصادی بر خوردار است. همچنین مشاغل مستقیم و غیر مستقیم فراوانی در بخش ساخت مسکن نهفته است. نکته بسیار مهم در جهت رونق ساخت مسکن، به کارگیری جوامع مختلف کارگری در جهت ساخت یک مسکن است. طیف وسیعی از کسب و کارها در ساخت یک واحد مسکن دخیل هستند و به همین دلیل فرای آند ساخت یک واحد مسکن نیازمند



۱۰۴ نفر از ۷۵۰ مسافر

قایق نجات پیدا کردند

تراژدی ویرانگر غرق ۶۲۱ مهاجر

یک قایق در آب‌های یونان

■ **جلال مهرگان**

برافراشتن پرچم‌های سیاه در کشور یونان، آن هم به احترام مهاجران قربانی شده در آب‌های این کشور بیش از اینکه ابراز همدردی با عملی انسانی باشد، پنهان کردن چهره آتش‌افروز دولت‌های غربی در کشورهایی است که سبب‌شده مردم جنگ‌زدماش برای پیدا کردن زندگی بهتر به سمت اروپا مهاجرت کنند و قبل از رسیدن به مقصد جانشان را هم از دست بدهند. براساس تلاش‌های صورت گرفته، از ۷۵۰ مهاجری که قایق شان صبح روز چهارشنبه هفته گذشته در آب‌های یونان غرق شده، ۱۰۴ نفر نجات یافته‌اند، جسد ۷۹ نفرشان از آب خارج شده و تلاش امدادگران برای پیدا کر دن ۵۱۷ نفر دیگر ناکام مانده‌است.

مقام‌های غربی بعد از آتش‌افروزی در کشورهای سوریه،

قاتل ۳۰۰ هزار تومانی

به زندگی امیدوار شد

■ **غلامرضا مسکنی**

سارق سابقه‌داری که در جریان سرقت تلفن همراه، پسر ۱۷ ساله‌ای را به قتل رسانده بود پای چوبه دار مهلت گرفت. اولیای دم اعلام کردند قاتل در صورتی که دیه پرداخت کند، بخشیده می‌شود. ساعت ۲۳:۱۳ شامگاه ۱۴ آبان‌ماه ۹۸، قتل پسر نوجوانی به ناموران پلیس تهران خبر داده شد. آن شب مسئولان بیمارستان شهدای هفتم تیر اعلام کردند پسر ۱۷ ساله به نام سعید پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت خونریزی به کام مرگ رفته است. بررسی‌های مأموران حکایت از آن داشت ساعتی قبل دو سارق موتورسوار در یکی از کوچه‌های ۲۰متری ماهان در شهر ک شریعیسمی خانه‌ای آباد، پسر ۱۷ ساله را به خاطر سرقت گوشی همراهش با چاقو زخمی و از محل فرار می‌کنند.

سارق سابقه‌دار ■ بررسی‌های دوربین‌های مداربسته محل حادثه نشان داد پسر نوجوان وقتی وارد کوچه می‌شود ثانیه‌هایی بعد یکی از سارقان او تعقیب می‌کند و پس از حمله به او، تلفن همراهش را سرقت و همراه دوستش با موتورسیکلت فرار می‌کند.

مأموران پلیس در ادامه چهره سبده را به دست آوردند و با بررسی الیوم مجرمان سابقه‌دار دریافتند وی سه‌روز نام دارد و از سارقان سابقه‌داری است که مدتی قبل از زندان آزاد شده است. بدین ترتیب شهروز تحت تعقیب قرار گرفت و کارآگاهان جنایی ۱۷ روز بعد از حادثه موفق شدند او و همدستش را در مخفیگاهشان در یکی از شهرهای اطراف تهران شناسایی کنند و به دام بیندازند.

■ **سرقت‌های سرپالی**

متهمان پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا با تناقض‌گویی جرمشان را انکار کردند، اما در نهایت وقتی با دلایل و شواهد روبه‌رو شدند به جرم خود اقرار کردند. متهم اصلی در بازجویی‌ها گفت: «چند سال پیش به موادمخدر اعتیاد پیدا کردم و از آن زمان به بعد وارد جرگه خلافکاران شدم و برای تأمین هزینه مواد سرقت می‌کردم. چند باری به دام افتادم و راهی زندان شدم تااینکه آخرین بار شش سال قبل به اتهام سرقت دستگیر شدم. در زندان به شش سال حبس و ردمال محکوم شدم. به هر سختی بود ردمال کردم و در نهایت هم شش ماه قبل از زندان آزاد شدم. پس از آزادی تصمیم گرفتم سرقت را کنار بگذارم و دربست زندگی کنم، اما دوباره به اعتیاد روی آوردم، به همین دلیل نتوانستم کاری درست و پا کنم. اعتیادم روز به روز بیشتر می‌شد و هزینه موادمخدر شش‌ماه بالا می‌رفت. به سراغ یکی از دوستانم رفتم و پیشنهاد دادم با هم موایل‌قایی کنیم، از آن روز به بعد سرقت‌های

■ **سریالی ما آغاز شد.**

■ **شب حادثه.**

وی درباره سرقت مرگبار گفت: «ما دو نفری با موتورسیکلت در محله‌های تهران پرسه می‌زدیم و تلفن گوشی‌های سرقتی موادمخدر می‌خریدیم. شب حادثه در منطقه خانی‌آباد دوردور می‌کردیم و به دنبال سوژه‌ای بودیم تا تلفن همراهش شب سه‌هوا محاکمه و به اولیای دم برایش درخواست قصابی کردند و قضات دادگاه هم وی را به جرم قتل عمد پس ۱۷ ساله به قصاب محکوم کردند. رأی دادگاه پس از تأیید در یکی از شعبه‌های دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم روی میز قاضی امین کرمانی‌نژاد، بازپرس شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران قرار گرفت.

■ **مهلت ۴ ماهه**

پس از ارسال پرونده قاتل، وی در صف اجرای حکم قرار گرفت و در نهایت چند روز قبل پس از گرفتن استینادن حکمش از رئیس قوه قضائیه در زندان رجایی‌شهر کرج پای چوبه دار رفت. در حالی که طناب دار به گردن متهم انداخته شده بود و وی آخرین لحظات عمرش را تجربه می‌کرد، تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران به سرپرستی قاضی محمد شهرپاری، سرپرست دادسرای جنایی تلاش زیادی کرد تا متهم را به زندگی دوباره بازگردانند. سرانجام تلاش تیم صلح و سازش نتیجه داد و اولیای دم اعلام کردند از آنجایی که قاتل اظهار پشیمانی کرده و مسئولان زندان هم از او رضایت دارند، چنانچه دیه پرداخت کند، او را می‌بخشند. بدین ترتیب طناب دار از گردن قاتل برداشته شد و اولیای دم به وی فرصت چهار ماهه دادند تا دیه مقتول را فراهم کند، در غیر این صورت چهار ماه بعد حکم قصاص را اجرا خواهند کرد.

سارق سابقه‌داری که با همدستانش پس از ایجاددعای ساختگی از میانجیگران سرقت می‌کرد، چند روز قبل از مراسم عروسی‌اش از سوی برادرزنش شناسایی شد و به دام افتاد.

چندی قبل مردی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از چهار سارق که به شیوه جدیدی گوشی تلفن همراهش را سرقت کرده بودند، شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «ساعتی قبل در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر در حال عبور بودم که دیدم چهار مرد جوان با هم در گیر شده‌اند. آنها ابتدا با هم مشاجره لفظی کردند، اما لحظاتی بعد با مشت و لگد به جان هم افتادند که من تصمیم گرفتم بین آنها میانجیگری کنم. وقتی به آنها نزدیک شدم، آنها مرا کتک زدند و تلفن همراه و کیف پولم را سرقت کردند. تازه متوجه شدم درگیری آنها صوری بوده تا با این شیوه تلفن همراه و کیفم را سرقت کنند.»

■ **آغاز تحقیقات**

با شکایت مرد جوان، پرونده به دستور قاضی مصطفی تقی‌زاده،بازپرس دهمین شعبه دادسرای ویژه سرقت در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که تمامی شاکیان مدعی بودند در دام چهار مرد جوان افتاده‌اند که با دعای ساختگی اموال آنها را سرقت کرده بودند.

بررسی‌های مأموران نشان داد همه ملاخباخته‌ها به عنوان میانجی وارد درگیری شده‌اند که عاملان درگیری تلفن همراه و اموال آنها را سرقت کرده‌اند. از سوی دیگر در بررسی دوربین‌های مداربسته محل‌های حادثه مشخص شد سارقان با تمام سرقت‌ها ماسک و کلاه داشته‌اند تا شناسایی نشوند.

■ **ردپای تازه‌داماد**

درحالی‌که هرروز بر تعداد شاکیان افزوده می‌شد و سارقان با همان شیوه اموال شهروندان را سرقت می‌کردند، مرد جوانی به اداره پلیس رفت و شوهر خواهرش را به عنوان سارق به پلیس معرفی کرد.

وی گفت: «لحظاتی قبل چند مرد جوان داخل خیابان باهم دعوا می‌کردند که برای میانجیگری وارد درگیری آنها شدم. قصد داشتم درگیری آنها را ختم به خیر کنم، اما خیر نداشت‌م خودم قربانی آنها می‌شوم. آنها مرا کتک زدند و تلفن همراه و کیفم را سرقت کردند، اما در بین سارقان، دامادمان بهنام را که ماسک به صورت کلاه به سر داشت از رنگ چشمانش و خالی که کنار ابرویش دارد، شناختم. او مدتی قبل به خواستگاری خواهرم آمد و ادعا کرد مغازه فروش پوشاک دارد، اما در آن درگیری فهمیدم ما را فریب داده و سارق است، به همین دلیل به روی خودم نیاوردم که به من مشکوک نشود تا بتوانم با کمک پلیس او را به دام بیندازم و دستش را رو کنم».

این قایق که حامل مهاجرانی از کشورهای سوریه، افغانستان، فلسطین و پاکستان بود، وارد عمل شد و موفق شدند ۷۹ نفر را که بیشترشان مرد بودند، نجات دهند. بازماندگان شامل ۳۰ نفر از مصر، ۱۰ نفر از پاکستان، ۳۵ نفر از سوریه و دو نفر از فلسطین می‌شوند.

تحقیق از بازماندگان حادثه نشان داده‌است شمار افرادی که سوار بر این قایق ماهیگیری بوده‌اند، بیش از ۷۵۰ نفر بوده‌است. با این حال این احتمال وجود دارد که آمار دقیق این افراد هرگز مشخص نشود. تحقیقات همچنین نشان داده‌است که احتمالاً ۱۰۰ کودک در انبار کشتنی حضور داشته‌اند که هنگام حادثه در محل گرفتار شده‌بوند. بررسی‌ها همچنین نشان داده‌است که این قایق حدوداً ۹ روز قبل از حادثه شهر بطریق در لیبی را ترک کرده و به سمت ایتالیا در حرکت بوده‌است. مسافران

بازداشت تازه داماد سارق قبل از عروسی

■ **گفت‌وگو با متهم**

■ **بهنام سابقه‌داری؟**

بله، من چند باری به جرم سرقت دستگیر شده و به زندان افتاده‌ام.

■ **به همین شیوه سرقت می‌کردی؟** نه، من قبلاً با یکی از همدستانم با موتورسیکلت در محله‌ها پرسه می‌زدیم و موایل‌قایی می‌کردیم، اما این‌بار تصمیم گرفتم شیوهمان را تغییر دهم.

■ **چرا؟**

این شیوه در زندان به فکرم رسید. من و همدستانم در زندان با هم در یک سلول بودیم و هر کدام از ما قبلاً به شیوهای سرقت می‌کردیم تا اینکه من این شیوه به فکرم رسید و دوستانم پیشنهاد دادم تا پس از آزادی از زندان آن را اجرا کنیم. واقعیتش این شیوه خیلی خوب بود و ما به راحتی سوزه‌مان را به طرف خودمان می‌کشادیم و بدون هیچ راحتی تلفن همراه و کیفش را سرقت می‌کردیم.

■ **اما همین شیوه خیلی زود شما را به دام انداخت؟**

بله، این شیوه ایراداتی هم داشت. من هرگز فکر نمی‌کردم روزی یکی از طعمه‌هایمان برادرزنم باشد. وقتی او دام ما افتاد، من او را شناختم، اما آن لحظه کاری از دستم ساخته نبود و در نهایت هم اوالش را سرقت کردم. البته ماسک و کلاه داشتم و فکر نمی‌کردم مرا شناسایی کنند، اما من همیشه بدشناسی می‌آوردم و در این سرقت هم بدشناسی به سراغم آمد، و گر نه شیوه ما خیلی خوب بود.

■ **چرا بدشناسی می‌آوردی؟**

واقعیتش وقتی از زندان آزاد شدم، به‌خاطر ردمال خیلی بدبی سال‌آوردم و تصمیم گرفتم مدتی سرقت کنم و وقتی پولدار شدم توبه کنم. می‌خواستم به زودی مراسم ازدواج با نامزد را برگزار کنم، اما باز هم بدشناسی آوردم و قبل از عروسی دستگیر شدم. من قبلاً هم بدشناسی می‌آوردم و همیشه خیلی زود دستگیر می‌شدم. ■ **چطور با نامزدت آشنا شدی؟** در اینستاگرام با شهبان آشنا شدم. البته بعد از آزادی از زندان و خیلی زود هم به او دلبسته شدم و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم. برای اینکه پیشنهاد ازدواج را بقبول کند به دروغ گفتم مغازه لباس‌فروشی دارم و از کشور ترکیه پوشاک وارد می‌کنم، واقعیتش می‌خواستم پس از اینکه توبه کردم، مغازه پوشاک بزنم تا دستم رو نشود، اما در عتقم هم بدشناسی آوردم.

■ **درباره شیوه سرقت توضیح بده؟**

ما دعای ساختگی راه می‌انداختمیم و وقتی فردی با افرادی با عنوان میانجی وارد درگیری می‌شدند، اموال آنها را سرقت می‌کردیم. ما گاهی این فرد را دوره و حشنی از او عذرخواهی می‌کردیم که در جریان درگیری کتک خورده و در همین حین کیف با تلفن همراهش را سرقت می‌کردیم.



■ **بازداشت قبل از عروسی**

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران دست به تحقیقات فنی زدند و دریافتند تازه‌داماد سارق و سرکرده همان باند چهار نفره‌ای است که با ایجاد دعای ساختگی، اموال میانجیگران را سرقت می‌کنند. از سوی دیگر مشخص شد وی از سارقان سابقه‌داری است که مدتی قبل از زندان آزاد شده و با تشکیل این باند دست به سرقت‌های سریالی می‌زند. در چنین شرایطی مأموران مخفیگاه او را شناسایی کردند و تازه‌داماد را که وارد می‌کنم، واقعیتش می‌خواستم پس از اینکه توبه کردم، مغازه پوشاک بزنم تا دستم رو نشود، اما در عتقم هم بدشناسی آوردم.

متهم ۳۰ ساله پس از انتقال به اداره پلیس در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به شیوه دعای ساختگی باهمدستی سه نفر از دوستانش اعتراف کرد.

سارق سابقه‌دار در ادامه برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. کارآگاهان پلیس آگاهی در تلاش‌شدند همدستان متهم را بازداشت کنند.

■ **حسین فصیحی**

بخشی از آمار قربانیان سوانح رانندگی مربوط‌است به رفتگرانی که هنگام نظافت معابر شهری یا برون شهری در جریان تصادف با خودروهای عبوری جانشان را از دست می‌دهند یا دچار جراحت و معلولیت می‌شوند. با وجود اینکه در عمده کشورهای جهان نظافت بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها از سوی نیروی انسانی به کلی منسوخ شده‌است، اما تکرار این سوانح نشان می‌دهد شهرداری‌ها و راهداری‌ها توجهی به مکانیزه کردن خدمات خود ندارند و به این شیوه جان کارکنان خود را به خطر می‌اندازند. مثلاً صبح روز گذشته یکی از کارگرانی که مشغول نظافت در بزرگراه شهید چمران بود به دلیل تصادف با خودروی عبوری دچار حادثه شد و به دلیل شدت جراحات جانش را از دست داد. آن گونه که پلیس تهران گزارش داده در تمامی معابر و به‌خصوص شبکه بزرگراهی پایتخت تابلوی سقف سرعت مجاز نصب شده‌است و رانندگان باید حداکثر باهمان سرعت رانندگی کنند. در معابر بزرگراهی که فاقد تابلوی سرعت است، حداکثر سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت است. در مسیرهای بزرگراهی شمالی جنوبی مانند بزرگراه شهید چمران، بزرگراه امام علی و شهید صیاد شیرازی حداکثر سرعت ۸۰ کیلومتر بر ساعت است. بنابراین اگر راننده‌ای با سرعت مجاز خود در این مسیر بارفتگری که بدون در اختیار داشتن حداقل امکانات ایمنی در حال کار است برخورد کند، رقم خوردن حادثه‌ای مرگبار حتمی است. عمده این سوانح در تاریکی شب با ابتدای صبح و در خلوتی معابر و در حالی رقم می‌خورد که رانندگان با سرعت زیاد در حال حرکت هستند. در چنین شرایطی رفتگرانی که در حال نظافت یا شست‌وشوی جدول و گاردریل‌ها هستند در جریان سوانح روی داده فوت می‌کنند.

انگونه که رئیس پلیس راهور کشور خبر داده، مرگ یک نفر در جریان سوانح رانندگی، ۸میلیارد تومان به تولیدخالص ملی خسارت واردمی‌کند. بنابراین با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت اگر همان ۸میلیارد تومان صرف خرید تجهیزات مکانیزه برای نظافت معابر شهری شود، جان رفتگران هم در امان خواهدماند.

اماری از رفتگرانی که در جریان این سوانح جانشان را از دست داده‌اند، وجود ندارد. بااین حال با یک جست‌وجوی ساده در یکی از موتورهای جست‌وجو می‌توان به انبوهی از خبرهایی دست پیدا کرد که نشان می‌دهد بی‌توجهی شهرداری‌ها به جان کارکنانشان کی‌بی‌توجهی مسری است. عمده افرادی که در این حوادث دچار حادثه می‌شوند از افراد آسیب‌پذیر جامعه هستند که فقدان ابزارهای خلودمهایشان بر دامنه آسیب‌هایی که با آن مواجه‌بوند، اضافه می‌کند. بنابراین شهردان محترم به جای تهیه دسته‌گل برای این خانواده‌های داغدار و تسلی دادن به آنها بهتر است با مکانیزه کردن تجهیزاتشان یا آموزش درست به کارکنان خود، عزم‌شان را برای بخشگیری از وقوع چنین حوادثی جزم کنند و انگیزه و به‌آسانی جان رفتگران را در معرض خطر قرار ندهند. آموزش درست کارگران و شرکتهای پیمانکار درباره رعایت نکات ایمنی و نظارت درست بر رفتار کارکنان و آموزش استفاده از علام‌هشداردهنده هنگام کار از جمله موضوعاتی است که می‌تواند از بروز آسیب‌های بیشتر جلوگیری کند.

مصرف الکل در کرج ۱۴ قربانی گرفت

۱۴ نفر از ۸۸ مصرف‌کننده مشروب در مناطق اسلام‌آباد و حصارک شهرستان کرج چان باختند و بقیه به مراکز درمانی منتقل شدند.

شامگاه جمعه کارکنان بیمارستان‌های کوثر، البرز، رجایی و کسری کرج شب دشواری را سپری کردند. ساعتی از شب نگذشته بود که امدادگران افرادی را که به دلیل مصرف مشروب دچار مسمومیت شده‌بوند، به این مراکز منتقل کردند. گزارش ایرنا در این‌باره نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان مشروب از ساکنان مناطق اسلام‌آباد و حصارک بودند که بعد از مصرف مشروب دچار مسمومیت شده‌بوند. براساس این گزارش ۱۴ نفر از افراد مسموم شده جان خود را از دست داده‌اند. رئیس بیمارستان تأمین اجتماعی استان البرز هم خبر داده‌است که دو نفر بر اثر مسمومیت شدید ناشی از مصرف مشروبات الکلی در این بیمارستان جان خود را از دست داد. دکتر حسین بابکان اعلام کرد که هفت نفر بر اثر مسمومیت ناشی از مصرف مشروبات الکلی به این بیمارستان انتقال داده شدند که بلافاصله تحت مداوا و دیالیز قرار گرفتند که دو نفر فوت شدند و پنج نفر دیگر برای ادامه درمان به بیمارستان کوثر کرج منتقل شده‌اند. به گفته بابکان، طبق بررسی‌ها افراد مسموم شده مشروبات الکلی از نوع متانول را مصرف کرده‌اند و سن آنها نیز ۲۰ تا ۵۰ سال است.

مادر و دختر زندگی بخشیدند

اعضای بدن صادر و دختر خردسالش را دختر خردسالش باخیر شد، با اهدای اعضای آنها به بیماران نیازمند موافقت کرد. بعد از آن بود که قربانی‌های دختر بچه سه ساله به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی



افتاد. هر چند تلاش‌ها در جریان بود، اما مادر ۳۴ ساله به نام الهه مهدوی‌زاده و دختر سه‌ساله‌اش رها فتوحی به مرگ مغزی مبتلا شدند. پدر خانواده هم که در جریان حادثه مصدوم شده‌بود، وقتی از مرگ مغزی همسر

آگاهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد رهن

نظری به دستور مواد ۳۰۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۰ املاک متقاضیانی که در حیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر موره رسیدگی و تسهیلات مالکانه و بلاعارضی آنان محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگاهی می گردد.

۱۴۴ متقاضیان واقع در قریه فرانکلیند علیا پلاک ۷ اصلی بخش ۵ شمالی

۱۳۴۲ فرمی افاد ختم دولت بنویختاری فرزند تاریمراد نسبت به شنیدلگ یک قطعه زمین با بنای احدثی (کابری مسکونی) به مساحت ۲۶۵۵۰ مترمربع خریداری بنوین واسطه واسطه از رجب مقصودی

لذابه موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۲ آیین نامه مربوطه این آگاهی در نو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکبرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها ، رأی هیأت اصفای تا مر صورتی که انتخاض ذینفع به رأی اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگاهی و در روستاها از تاریخ اصفای در محل تا ۲ ماه اعتراضی خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مهلت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تعویل نهد که در این صورت دادخواست ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراضی در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننگد اداره ثبت مهلت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مایع از مراجعه متعترض به دادگاه نیست. بدیهی است بربرابر ماده ۱۲ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده‌موارد ثبتی با رأی هیأت پس از تنظیم اظهارنامه حوالی تجدید حدودمراتب را در اولین آگاهی نوبتی و تجدید حدود به صورت هم زمان به اطلاع می رسند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تجدید حدودموارد ثبتی آگاهی تجدید حدودرا به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۳۹۲/۲/۲۷ نوبت دوم ۱۳۹۲/۴/۱۰

خشیه آگاهی ۱۵/۱۳/۹۵

علی اکبر مقدسی فر- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

چشم‌انداز کیسینجر:

در گیری امریکا و چین مختمل است

در حالی که جنگ بیسن روسیه و ناتو در خاک اوکرایین جهان را یا بحران جدیدی روبه‌رو کرده است، تنش بین واشنگتن و پکن هم روز به روز تشدید می‌شود، مسئله‌ای که هنری کیسینجر نسبت به آن هشدار داده است. در حالی که قدرت‌های بزرگ برای تأمین منافع خود در برهه‌هایی با یکدیگر سرشاخ می‌شوند، درگیری بین آنها می‌تواند برای جهان نیز عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. هر چند در یک سال گذشته همه توجهات جهانی به سمت اوکراین جلب شده است اما در گوشه دیگری از جهان در شرق آسیا هم تحولات جدیدی در حال رخ دادن است که می‌تواند به تقابل چین و امریکا منجر شود. هنری کیسینجر، وزیر خارجه سابق امریکا در مصاحبه با شبکه بلومبرگ با اظهارنظر درباره مسائل مختلف اعم از آینده ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، دوران پسارگرت در انگلیس و نقش آلمان در اروپا پرداخت. کیسینجر درباره آینده روابط بین چین و امریکا گفت: «من نسبت به مسیر فعلی این روابط تصویری کتم که وقوع یک درگیری نظامی محتمل است.» او خاطر نشان کرد: «مسیر فعلی این روابط باید تغییر یابد.» کیسینجر با اشاره به سفر چند روز دیگر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا به پکن ارزیابی کرد، «دیپلماسی در حال بارگشت به روابط پکن و واشنگتن است.» بلینکن عالی‌رتبه‌ترین مقام آمریکایی است که در پنج سال اخیر به چین سفر می‌کند کیسینجر همچنین تصریح کرد، اکنون این مسئولیت هر دو طرف است که «از لبه پرتگاه» درگیری عقب بزنند.

کیسینجر که سابقاً مشاور امنیت ملی امریکا نیز بوده، در سال ۱۹۷۱ سفری محرمانه به چین داشت و طی این سفر سفر زمینه‌عادی‌سازی تاریخی روابط پکن و واشنگتن را ایجاد کرد. این اتفاق موجب شد دیدگاه‌های در حوزه ژئوپلیتیک آسیا از نزدیک توسط ناظران دنبال شود. کیسینجر بیان کرد هنوز ارزیابی قطعی درباره این نادر که روند روابط تیره بین امریکا و چین به کج‌انحصر می‌شود چون دو کشور «هنوز عملاً وارد آن نوع مذاکراتی که من پیشنهاد داده‌ام نشده‌اند.» وزیر خارجه سابق امریکا گفت، اعتقاد دارد جنگ بین این دو ابرقدرت قابل‌برد نیست یا طرف‌برنده در آن متحمل هزینه‌های خارج از تناسب با این برد خواهد شد. به گفته کیسینجر تعداد سیاستمداران کمی در دوران مدرن تجربه جنگ و فجایع را داشته‌اند و این کم‌تجربگی می‌تواند بر قضاوت آنها تأثیر بگذارد. او بیان کرد: «هربرانی که تجربه یک فاجعه یا رسیدن به آستانه یک فاجعه را نداشته‌اند گاهی اوقات به این باور غیرواقعی می‌رسند که گزینه‌های شان بیشتر از آن چیزی که در واقعیت وجود دارد، هست.» تنش بین چین و امریکا بر سر تایوان در یک سال گذشته به سطح تقابل جدی پیش رفته است و هر آن احتمال درگیری بین دو قدرت وجود دارد. چین برای اینکه نشان دهد هر گونه تهاجم علیه تمامیت ارضی آن با پاسخ کوبنده مواجه خواهد شد، در ماه‌های اخیر ده‌ها آزمایش در اطراف تایوان برگزار کرده است. امریکا هم برای اینکه قدرت چین را به چالش بکشد، دهها میلیون دلار قرارداد تسلیحاتی با تایوان امضا و ادا کرده که در صورت وقوع جنگ با پکن، از این شبه‌جزیره حمایت خواهد کرد؛ اقدامی که نقض سیاست «چین واحد» به شمار می‌رود و خشم چینی‌ها را برانگیخته است.

زیردریایی اتمی امریکا در سواحل کره جنوبی لنگر انداخت

با وجود هشدارهای کره‌شمالی درباره تحرکات نظامی امریکا در شبه‌جزیره کره، واشنگتن گام‌کان به تنش آفرینی در این منطقه ادامه می‌دهد و در تازه‌ترین اقدام، زیردریایی هسته‌ای این کشور در سواحل کره جنوبی لنگر انداخته است. تنش‌ها در شبه‌جزیره کره به سمت بی ثباتی بیشتر پیش می‌رود و امریکا به بهانه حمایت از متحدانش، حضور نظامی خود را در مرزهای کره‌شمالی افزایش داده است. به گزارش شبکه بلومبرگ، ارتش کره‌جنوبی روز جمعه اعلام کرد زیردریایی یواس.اس میسیگان نیروی دریایی امریکا از نوع «اس.اس.جی.ان» و از کلاس اوهاوی برای قدرت نمایی نسبت به کره‌شمالی وارد سواحل کره جنوبی شده است. این نخستین بار در حدود شش سال گذشته است که یک زیردریایی با نیروی پشران هسته‌ای نیروی دریایی امریکا از کلاس «اس. اس.جی.ان» با زیردریایی مجهز به موشک کروز به سواحل کره وارد می‌شود. ورود این زیردریایی به بندر بوسان کره‌جنوبی بعد از آن رخ می‌دهد که کره‌شمالی روز پنج‌شنبه دو موشک کوتاه برد را از ساحل شرقی خود شلیک کرد. ماه گذشته میلادی نیز پیونگ‌یانگ به صورت موفق دست به پرتاب یک ماهواره جاسوسی زد.

در ماه آوریل گذشته یون سوی یول، رئیس‌جمهور کره جنوبی و جو بایدن، همتای امریکایی او در واشنگتن دیدار کرده و از جمله در این دیدار بر سر «افزایش هر چه بیشتر نمایش قدرت مرتب دارایی‌های هسته‌ای» در شبه‌جزیره کره توافق کردند. رهبران امریکا و کره‌جنوبی همچنین در این دیدار توافق کرده بودند یک زیردریایی نیروی دریایی امریکا از نوع زیردریایی‌های مجهز به موشک بالستیک هسته‌ای برای نخستین بار از زمان دهه ۱۹۸۰ به آب‌های کره جنوبی وارد شود. هدف از این اقدام نشان دادن عزم واشنگتن برای محافظت از این کشور نسبت به حمله‌ای احتمالی است. امریکا اعلام شد اما گارجوب زمانی مشخصی برای آن تعیین نشد. مقامات کره جنوبی در ماه‌های اخیر از واشنگتن خواسته بودند دوباره موشک‌های اتمی خود را در خاک این کشور مستقر کند اما کاخ سفید به دلیل حساسیت‌های این مسئله و احتمال تشدید تنش‌ها با این درخواست مخالفت کرده بود. مقامات کاخ سفید همواره گفته‌اند که از متحد خود در برابر کره‌شمالی حمایت خواهند کرد و آزمایش‌های موشکی پیونگ‌یانگ را تهدیدی برای امنیت مسئول و ژانین می‌دانند. مقامات کره‌شمالی معتقدند که ماجراجویی‌های امریکا در منطقه، به تشدید تنش‌ها منجر خواهد شد و نسبت به برگزاری آزمایش‌های واشنگتن و متحدانش هشدار داده‌اند. کره‌شمالی هم که از توافقات با امریکا ناامید شده است در یک سال گذشته برنامه موشکی خود را توسعه داده و به اذعان کارشناسان امریکایی، موشک‌های بالستیک پیونگ‌یانگ قادرند خاک امریکا را مورد هدف قرار دهند. کره‌شمالی حتی قانون دکترین حمله پیشدستانه‌ای را تصویب کرد که هدف آن مقابله با تهدیدات اتمی از سوی واشنگتن عنوان شده است.

واکنش

انصارالله: تأسیسات اقتصادی عربستان را هدف قرار می‌دهیم

جنبش انصارالله یمن تهدید کرد که در صورت ادامه حمایت عربستان سعودی از دولت مستعفی یمن، به تأسیسات اقتصادی عربستان حمله می‌کند. به گزارش اسپوتنیک، یوسف الفیشتی، رئیس کمیته اشتی ملی در جنبش انصارالله یمن در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «دوره پیش روی ائتلاف متجاوز قرار دارد؛ با یمن دست برداردن و مزدوران مورد حمایت خود را رها کرده و آنها را به دست نشوشت خودشان بپسارند یا به حمایت از آنها ادامه دهند و اقتصاد و امنیت و ثبات عربستان را قربانی کنند.»

شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ | ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۴

گزارش یک

پیرالمحلل ۱۵ جوان | روزنامه جوان | شماره ۶۷۷۹ | سرویس بین‌الملل ۹۸۴۹۸۸۴۹

شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ | ۲۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۴

واشنگتن: مذاکره با ایران جریان دارد ولی به توافقی نرسیده‌ایم

سخنگوی کاخ سفید: دیپلماسی بهترین راه است



دارد، گفت: «داشتن کانال‌های باز گفت‌وگو مهم

است. تکرار می‌کنم که سیاست ما در قبال ایران تغییری نکرده است. ما در این باره بسیار صریح بوده‌ایم.» پیر گفت: «ما روی محدودسازی رفتار ثابت‌دای ایران از طریق اعمال فشار، همکاری و هماهنگی نزدیک با متحدان مان و تنش‌زایی در منطقه متمرکز هستیم. دولت امریکا موضوع زندانی شدن غیرقانونی یا گروگان گرفته شدن امریکایی‌ها در خارج از کشور را بسیار جدی می‌گیرد. این موضوع برای این دولت در اولویت قرار دارد.» میلر در بخش دیگری از اظهارانش گفت که دولت امریکادیپلماسی را بهترین روش در قبال ایران می‌داند. وی گفت: «جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای اولویت نخست ما است. ما همچنان معتقدیم که دیپلماسی بهترین مسیر برای تحقق این هدف است. این اعتقاد دای‌ما از آغاز به کار این دولت بوده‌است.» متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه امریکانیز در این مورد گفت: «برای بازگرداندن شهروندان مان تلاش می‌کنیم اما تا این لحظه هیچ توافق، تفاهم یا طرحی که امشمر را می‌گذارد یا ایران حاصل نشده.»

گزارش ۲

قبرستان ادوات زرهی غرب در جنگ اوکراین

رئیس ستاد ارتش امریکا: یک جنگ دشوار در پیش است

دست داده و وزارت دفاع روسیه هم گفته که هشت تانک لوپارد ساخت آلمان را نابود کرده است. هر چند به نوشته پولیتیکو کی‌یف آمار رسمی تلفات میدان نبرد را ارائه نمی‌کند، ولی پروژه اطلاعاتی منبع باز Oryx گزارش داده است ارتش اوکراین با حمله از طریق میادین حین در حالی که زیر آتش توپخانه روسیه بود، حداقل ۱۶ دستگاه برادلی و چهار تانک لوپارد را از دست داده است. ظاهراً به همین دلیل است که طرف روزهایی گذشته، دول اروپایی گفته‌اند تانک‌های بیشتری در اختیار اوکراین قرار می‌دهند. پولیتیکو نوشته که دولت بایدن خودروهای زرهی بیشتری را به سمت اوکراین می‌فرستد، زیرا نیروهای این کشور در اولین حملات متقابل خود علیه روسیه متحمل چند تلفات اولیه شده‌اند. روزنامه آلمانی هندزبلات روز پنج‌شنبه گزارش کرد دانمارک و هلند ۱۴ تانک لوپارد ۲ از سازنده تسلیحات آلمانی راین متال برای اوکراین خریداری کرده‌اند. یورونیوز تأیید کرد که روسیه با استفاده از میادین مین، خندق‌های ضدتانک و سنگرهای

و تهاقت کیلومتر در نزدیکی روستایی در جنوب ولیکانووسیلکا در بخش دونتسک پیشروی کرده است. ارتش اوکراین همچنین گفته که نیروهایش در منطقه دونتسک در اطراف شهر باخموت در شرق و نزدیک شهر ووهلهپارد در جنوب آن پیشروی کرده‌اند ولی مانند امریکا تأیید کرد که «درگیری شدید» بوده است.

قبرستان تانک‌های غربی

روایت روس‌ها از وضعیت میدانی جنگ، متفاوت است. وزارت دفاع روسیه گفته که ارتش اوکراین تنها طی ۲۴ ساعت منتهی به روز جمعه، بیش از ۴۰۰ نظامی را در محورهای جنوبی منطقه دونتسک از دست داد و به علاوه، ده‌ها تانک و خودرو زرهی و دیگر تجهیزات نظامی ارتش اوکراین نابود شده‌اند. میل، وابسته به کنگره در مقر ناتو در بروکسل گفت که «اوکراین حمله خود را آغاز کرده و چندین شهر را در جنوب شرقی بازپس گرفت، پیشرفت ثابتی دارد، اما نیروهایش متحمل خسارات سنگینی شده‌اند. گزارش سی‌ان‌ان در روز ۱۲ ژوئن تأیید می‌کند که اوکراین ۱۶ خودرو زرهی ساخت امریکا را از



از دارایی‌های مسدود شده ایران می‌شود.» او افزود که گام‌های بیشتر ممکن است شامل معافیت‌های تحریمی امریکا برای صادرات نفت ایران در ازای دست‌زد داشتن از غنی‌سازی ۶۰ درصد و همکاری بیشتر ایران با آژانس بین‌المللی هسته‌ای زیر نظر سازمان ملل باشد. یک مقام غربی که درخواست نامش فاش شود به روتنرز گفته است: «من آن را یک تفاهم فروکش‌کننده می‌دانم.» وی گفت: بیش از یک دور گفت‌وگو غیرمستقیم در عمان بین برت مک‌گروک، هماهنگ‌کننده شورای امنیت ملی کاخ سفید در امور خاورمیانه و شمال آفریقا و علی‌باقری کنی، وزیر امور خارجه ارشد هسته‌ای ایران انجام شده است. این مقام غربی گفت که ایده اصلی این است که یک وضعیت قابل قبول برای همه به‌وجود آید تا ایران از خط قرمز غرب یعنی غنی‌سازی تا حدود ۹۰ درصد که معمولاً به عنوان درجه تسلیحات تلقی می‌شود، اجتناب کند و احتمالاً حتی غنی‌سازی خود را تا ۶۰ درصد نیز به حالت «وقفه» در آورد. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر در کنفرانس خبری هفتگی خود، توافق موقت و ترتیبات جدید جایگزین برجام را تأیید نکرد و گفت: «دولت ایران هیچ‌گاه میسر مذاکره را ترک نکرده و برای انجام مذاکرات جدی و محتوایی به منظور به نتیجه رسیدن مذاکرات، آمادگی جدی در سوا در این تحولات، بنیامین نتانیاهو پنج‌شنبه

گذشته به آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا هشدار داد که هیچ توافقی با ایران برنامه هسته‌ای آن را متوقف نمی‌کند و افزود: «هیچ توافقی با ایران برای اسرائیل الزام‌آور نیست و اسرائیل هر کاری که می‌تواند برای دفاع از خود انجام خواهد داد.» نخست‌وزیر صهیونیست‌ها در شرایطی سعی کرد از موضع تهدید و خط و نشان کشیدن با ایران حرف بزند که مایکل هر تروگ، سفیر رژیم صهیونیستی در ایالات متحده ضمن اذعان به پیشرفت‌های قابل توجهی که در مذاکرات هسته‌ای ایران و امریکا رخ داده، اگرچه موضع نتانیاهو را تکرار کرد، اما گفت: «تا آنجாமای دانیم، دیپلماسی به‌خودی‌خود و چنین تفاهم‌های لزوماً تا جایی که بتوانند به کاهش تنش کمک کنند، بدین وسیله نیستند.» او در ادامه ادعا کرد: «برای اینکه دیپلماسی موفق شود و نتیجه جنگ فاجعه‌آلود نباشد، باید با بازدارندگی مثبتی به همراه داشته باشد، باید با بازدارندگی بسیار قوی علیه ایران و یک تهدید نظامی معتبر یا تفاهم متقابل، هر دو طرف می‌خواهند از تشدید بیشتر تنش جلوگیری کنند.» او گفت ورواهه، «این امر شامل تبادل زندانیان و رفع انسداد بخشی

نگاه هادی محمدی

بازبینی

پرونده ۴۵ساله ایران و عربستان

امروز شنبه، وزیر امور خارجه عربستان به ایران سفر می‌کند تا شروع به کار سفارت خودشان در تهران را اعلام کند و دیدارهایی نیز با مقامات ایرانی صورت پذیرد. در لحظه شکل‌گیری تفاهم ایران و سعودی با پادرمیانی چین، این سؤال مطرح شد که تغییر رویکرد سعودی چه ماهیتی دارد؟ اینکه از چینی‌ها درخواست می‌کنند بانی کنند باشند، آیا باید یک تغییر جوهری و راهبردی تلقی شود یا اینکه سعودی همان سعودی است و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی و اوضاع داخلی و خارجی و جنگ در یمن، موجب شده عربستان تغییر تاکتیک بدهد؟

عربستان از لحظه پیروزی انقلاب اسلامی، جلودار و شریک در تمامی طرح‌های ضدایرانی با امریکا، انگلیس و فتنه‌های گوناگون سیاسی و امنیتی و تحریک مذهبی بوده و در ۴۵سال گذشته با هزینه کردن صدها میلیارد دلار از هیچ اقدامی علیه ایران فروگذار نکرده است. البته با اینکه تصویر مقامات سعودی در تعامل با ایران، بسیار دوگانه است و از یک سوایران دوستی دارند ولی از سوی دیگر جنگ رسانه‌ای و ادراکی آنان پابرجاست ولو اینکه گفته‌اند اینترنشنال را معارضان دولت سعودی هدایت می‌کنند؛ در حقیقت هزینه اصلی هشت‌سال جنگ تحمیلی را سعودی‌ها دادند و جنگ تروریستی داعشی و وهابی را از سال ۲۰۱۱ در کل منطقه و جهان به‌راه انداختند که هنوز در برخی مناطق جهان و منطقه در حال اجرای مأموریت صهیو-امریکی هستند. حقیقت این است که سعودی‌ها شرایط مناسبی به‌لحاظ نتایج سیاست خارجی خود در یمن با عراق، سوریه، لبنان و فلسطین و بسیاری از کشورها ندارند و بن‌سلمان هم در بلندپروازی خود با طرح شهر نشو، قصد دارد تصویری دیگر از خود به جهان ارائه کند و در پایان راهی که در چند دهه پیموده، به پایان خط رسیده ولی هنوز تاوان و خسارتی را که به دیگران وارد کرده نیز داخته است! اگر حساب دیگران را به خودشان واگذارد و از تاز: مقامات سعودی بستانند، هزینه‌های ۴۵سال گذشته، فقط با یک تفاهم و خیرخواهی چینی و ایرانی برای متوقف کردن تنش‌سازی و بحران آفرینی و تروریسم و جنگ‌های رنگارنگ و تحریک مذهبی و اطلاعاتی و قومیتی، در جای خود باقی است. بدیهی و طبیعی این است که فیصل بن فرحان از هم‌کنون، با افتتاح سفارت و آغاز به کار آن در تهران، به فکر جبران ۴۵سال عداوت بی‌دلیل با ایران باشد و در بعد اقتصادی آستین بالا بزند. مقامات سیاست خارجی ایران اگر در این زمینه اغماض کنند، بعید نیست که شاهد تکرار رفتار وزارت خارجه آذربایجان و گستاخی و بی‌حرمتی به ایران باشیم، همانطور که اردوغان که همواره رویکردی توسعه‌طلبانه و عثمانی‌گرایانه داشته و در پروژه جنگ تروریستی و نیابتی وهابی‌ها در عراق و سوریه و یکی از ترزادی‌های ۱۰سال اخیر در منطقه است، نقشی تعیین‌کننده داشته، هنوز از انتخابات پرشبهه خلاص نشده، با مداخله‌گری در قفقاز ابراز می‌دارد که در کردیدر زنگ‌ور که ماهیت انگلیسی-عثمانی توسعه‌طلبانه آن برای غارت منطقه کاملاً روشن است، مشکل آنها با ارمنستان نیست بلکه با ایران است. ایرانی که مستقیماً از این‌گونه ماجراجویی‌ها خسارت دیده و با افراط در حسن‌همجواری، سعودی‌ها هم با ایران طلبکار باشند.

اخبار کوتاه

■ **شیخ الازهر خواستار حمایت از مسجدالاقصی شد**

شیخ الازهر حمایت از مسجدالاقصی در شهر قدس اشغالی و توقف جنگ‌های بوج و بی‌پهوه در منطقه عربی را خواستار شد. به گزارش خبرگزاری عربی ۲۱، احمد الطیب در سخنرانی نشست شورای امنیت درباره «همبست ارزش‌های برادری انسانی در ارتقای صلح» به صورت ویدئو کنفرانس در روز چهارشنبه خواستار خاموش کردن آتش جنگ‌های بی‌پهودا شد که در دهه‌های اخیر شعله‌ور شدند. او تصویب کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس را خواستار شد. وی با تأکید بر اهمیت ارمان فلسطین گفت: «من از مقدسات خود و شما در فلسطین و رنج‌های مردم فلسطین از زورگویی اشغالگر اسرائیلی و ظلم آن سخن می‌گویم و به‌عیناقا از سکوت جامعه جهانی در قبال حقوق این مردم سرافراز متأسفم.»

■ **سلطانی‌فر: در تلاشیم سطح روابط سیاسی ایران و مصر به سفارت ارتقا یابد**

رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره گفت: در تلاش هستیم سطح روابط سیاسی ایران و مصر به سفارت ارتقا یابد. محمدحسین سلطانی‌فر در مصر در گفت‌وگوی اختصاصی با فارس، درباره تأثیر همکاری ایران و مصر بر ایجاد معادلات جدید منطقه‌ای و جهانی گفت: «در این تردید نیست که توافق ایران و عربستان سعودی در جهت ایجاد فضای مناسب روابط عربی-ایرانی تأثیر گذاری داشته و خواهد داشت. با توجه به نقش و جایگاه مصر و ایران این توافیم بگیریم که تفاهم ایران و مصر در ادامه همان تفاهم ایران و عربستان است، می‌توانیم ادعا کنیم که متأثر از آن است اما منعی توافیم بگیریم که در راستای همان تفاهم قرار دارد.» رئیس دفتر حفاظت منافع ایران در قاهره تصریح کرد: «نچه در حال حاضر در بحث روابط دو جانبه دو کشور و مذاکراتی که در جریان است، توافق دو کشور بر ارتقای سطح روابط دو کشور تا سطح سفیر است. در حال حاضر ما دارای سطح روابط سیاسی با مصر در سطح دفاتر حافظ منافع در تهران و قاهره هستیم و تلاش داریم که این سطح روابط سیاسی تا سطح سفیر ارتقا یابد.»

■ **ادعای طالبان: به حمله توپخانه‌ای ایران واکنش نشان دادیم** وزیر دفاع طالبان مدعی شد که آنها در پی حمله توپخانه‌ای ایران، ناچار شده‌اند برای دفاع از خاک افغانستان وارد عمل شوند. محمد یعقوب مجاهد در اولین اظهارنظر در مورد درگیری اخیر مرزی با ایران طی یک مصاحبه ویژه در تلویزیون بلوچ‌نور در این کشور گفت: «طالبان با کشورهای همسایه «هدف و مقصد» جنگ و جنجال ندارد. وی در مورد رویدادهای مرزی گفت: «بسیار وقت‌ها طوری است که معلومات دقیق هم وجود دارد و شواهد هم است که در بعضی موارد ما را مجبور کرده که کشور بر ارتقای سطح روابط دو کشور تا سطح سفیر است. در حال حاضر ما دارای سطح روابط سیاسی با مصر در سطح دفاتر حافظ منافع در تهران و قاهره هستیم و تلاش داریم که این سطح روابط سیاسی تا سطح سفیر ارتقا یابد.»

■ **ادعای طالبان: به حمله توپخانه‌ای ایران واکنش نشان دادیم** وزیر دفاع طالبان مدعی شد که آنها در پی حمله توپخانه‌ای ایران، ناچار شده‌اند برای دفاع از خاک افغانستان وارد عمل شوند. محمد یعقوب مجاهد در اولین اظهارنظر در مورد درگیری اخیر مرزی با ایران طی یک مصاحبه ویژه در تلویزیون بلوچ‌نور در این کشور گفت: «طالبان با کشورهای همسایه «هدف و مقصد» جنگ و جنجال ندارد. وی در مورد رویدادهای مرزی گفت: «بسیار وقت‌ها طوری است که معلومات دقیق هم وجود دارد و شواهد هم است که در بعضی موارد ما را مجبور کرده که کشور بر ارتقای سطح روابط دو کشور تا سطح سفیر است. در حال حاضر ما دارای سطح روابط سیاسی با مصر در سطح دفاتر حافظ منافع در تهران و قاهره هستیم و تلاش داریم که این سطح روابط سیاسی تا سطح سفیر ارتقا یابد.»

■ **حمله سایبری به نهادهای فدرال امریکا و متحدانش در ناتو**

نهادهای مختلفی در سراسر امریکا و متحدان آن در ناتو هدف حمله سایبری قرار گرفتند. بنابر گزارش خبرگزاری صداوسیما، حمله سایبری قابل توجهی در سراسر کشور امریکا و جهان رخ داده است.

نهادهای فدرال، دولت‌های محلی و دانشگاه‌های بزرگ از جمله اهدافی هستند که هدف تارش برای سرقت اطلاع و باج‌افزار قرار گرفته‌اند. از جمله اهداف این حمله سایبری تعداد زیادی از نهادهای فدرال، از جمله وزارت انرژی و بیمه‌ستان‌های وابسته به دانشگاه جان هاپکینز در مریلند و فلوریدا، دانشگاه ایالتی جورجیا و اداره آموزش مینه‌سوتا بودند. شرکت هواپیمایی بریتیش ایرویز نیز هدف قرار گرفت.

